

NEUES TESTAMENT

Die Gute Nachricht

**NEW (2)
NOUVEAU
TESTAMENT
IN**

**PERSIAN
FARSI**

IRANIAN

II

PERSAN

PERSISCHE

کتاب

پیمان تازه

خداوند و زباننده ما

عیسی مسیح

که از لسان اصلی یونانی

بفارسی

ترجمه کرده

افضل الفضلا المسیحیة

هنری مارتین کشیس انگلیسی ایست

که در دار السلطنت لندن محروسه

باعانت مجمع مشهور به بیبل سوسیٹی

کرت سیم بدار الطباعه بنده کمترین رچارد واطس

انگلیسی مطبوع گردید

۱۸۳۷

مسیحیة

THE
NEW TESTAMENT

OF
OUR LORD AND SAVIOUR

JESUS CHRIST

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK,
INTO PERSIAN,

BY THE
REV. HENRY MARTYN, B.D.

FOURTH EDITION.

LONDON:
PRINTED BY RICHARD WATTS,
FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,
IN THE YEAR
1837.

فهرست این کتاب مقدس

<p>رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان . . . 503</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . . 507</p> <p>رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . . 516</p> <p>رسالهٔ پولس بتیتوس . . . 522</p> <p>رسالهٔ پولس بفلیمون . . . 526</p> <p>رسالهٔ پولس بعبریان . . . 528</p> <p>رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . 552</p> <p>رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . 561</p> <p>رسالهٔ عام دویم پطرس حواری . . . 570</p> <p>رسالهٔ عام اول یوحناي حواری . . . 576</p> <p>رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری . . . 585</p> <p>رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری . . . 586</p> <p>رسالهٔ عام یهوداي حواری . . . 587</p> <p>کتاب مکاشفات یوحناي الهی . . . 590</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ 1</p> <p>انجیل مرقس 83</p> <p>انجیل لوقا 135</p> <p>انجیل یوحنا 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس . . . 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان . . . 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . 496</p>
---	---

باب اول

- ۲ آغاز بشارت عیسی مسیح فرزند خدا * چنانچه در رسایل رسل نوشته شده است که اینک من رسول خود را در پیش روی تو میفرستم که راه تو را در پیش تو آراسته گرداند * صدای فریاد کننده ایست در بیابان که طریق خداوند را مهیا سازید و راه هایش را مستقیم نمائید * چون یحیی در بیابان غسل تعمید میداد و بغسل توبه بجهت کنائیان امر مینمود * و قاضی سکنة مرز و بوم یهودیه و اورشلیم نزد وی بیرون رفته معترف بخطایمی خویش گشته همه بوساطتش غسل تعمید در رود اردن می یافتند * و یحیی را لباس از پشم شتر و کمربند کرد کمرش از چرم و خوراک از ملخ و عسل برمی میبود
- ۳ * و اعلام مینمود و میگفت که من آید شخصی بعد از من که از من توانا تر است و من لایق آن نیستم که خم شده دوال نعلینش را کشایم * و بدرستی که تعمید من شمارا باب است لیکن او شمارا
- ۴ بروح القدس تعمید خواهد داد * و درین ایام واقع شد که غیسی از ناصره جلیل آمده بوساطت یحیی در رود اردن غسل تعمید یافت * و فی الفور از آب بر آمده دید که افلاک شکافته و روح
- ۵ چون کبوتری بروی نزول نمود * و آتشی از عالم علو میگفت که توئی
- ۶ فرزند محبوب من که از و خوشنودم * و در لحظه روح به بیابانش

- ۱۳ اخراج نمود * و در آن بیابان مدت چهل روز از شیطان امتحان می یافت و در میان وحوش بسر برده ملائکه اش پرستاری
- ۱۴ می نمودند * و بعد از گرفتاری یحیی عیسی بناحیه جلیل آمده بشارت
- ۱۵ بملکوت خدا میداد * و می گفت بدرستی که وقت کامل شده است و ملکوت خدا نزویک است پس توبه نمائید و باین بشارت
- ۱۶ خجسته اعتقاد آرید * و در اثنا عبور بر کنار دریای جلیل شمعون و برادرش اندریاس را دید که دام در دریا می انداختند از آنجا که
- ۱۷ ماهی گیر میبوزند * عیسی آنها را گفت که بعقب من آئید که من
- ۱۸ شما را مردم گیر خواهم گردانید * پس بی تعلل دامهای خود را
- ۱۹ گذاشته و می را تعاقب نمودند * و اندکی از آنجا پیشتر رفته یعقوب ابن زبدي و برادرش یوحنا را دید که در کشتی دامهای خود را
- ۲۰ اصلاح می نمودند * ایشان را نیز فی الفور دعوت نموده آنها پدر خود زبدي را با مردوران در کشتی گذاشته بعقب وی روان گردیدند
- ۲۱ و داخل کفرا حوم کشته در روز سبت بی تامل داخل مجمع کشته
- ۲۲ و عظ گردن گرفت * و از تعلیم وی متحیر میبوزند زیرا که مقتدرانه
- ۲۳ ایشانرا تعلیم می نمودند بر سیاق نویسندگان * بود در مجمع ایشان
- ۲۴ شخصی که با روح خبیثه بود او فریاد نموده گفت * ای عیسی ناصری بگذار ما را با تو چه کار است آیا که بجهت پامال نمودن ما
- ۲۵ آمده من تو را می شناسم که کیستی ای بر کنزیده خدا * پس عیسی
- ۲۶ نهیب نموده گفت ساکت باش و از وی بیرون آی * که آن روح خبیث او را مرتعش کرده و باواز ورشتی فریاد نموده از وی بیرون
- ۲۷ آمد * و همگی بطوری متعجب کشته که از یکدیگر سوال می نمودند

- و می‌گفتند که این چیست و این چه نوع تعلیم است که بر ارواح
 ۲۸ خبیثه باقتدار حکم میکند و آنها اطاعتش نمایند * و از آنوقت آوازه
 ۲۹ وی در همگی اطراف جلیل پیچید * و در آن وقت از مجمع
 بیرون آمده با یعقوب و یوحنا بخانه شمعون و اندریاس درآمدند
 ۳۰ * و مادر زن شمعون تب نموده خوابیده بود هماندم ویرا در باره او
 ۳۱ خبر دادند * و او آمده دست او را گرفته بر خیزانیدش که فی الفور
 ۳۲ تب او زایل شد و بخدمتشان مشغول گردید * و چون شب نگاه که
 آفتاب غروب نمود جمیع بیماران و دیوانگان را نزد وی حاضر
 ۳۳ کردند * و همگی ساکنان آن بلاد بر در جمع آمدند * و بسیاری از
 آنان را که بامراض مختلفه گرفتار می‌بودند شفا بخشیده و دیوان
 بسیاری را اخراج نمود لیکن دیوان را اجازت نداد که از شناسائی
 ۳۵ وی تکلم نمایند * و سحرگاران قبل از صبح بر خواسته بیرون شتافت
 ۳۴ و در ویرانه نماز مشغول گشت * و شمعون و کسانیکه با وی
 ۳۷ بودند بعقب او روان گردیدند * پس ویرا یافته گفتندش که تمامی
 ۳۸ خلق در جستجوی تو می‌باشند * و ایشانرا گفت که باید بقرا قریبه
 رفته ایشانرا نیز اعلام نمائیم زیرا که بجهت این کار بیرون آمده
 ۳۹ ام * و پیوسته در همگی جلیل در مجامع آنها اعلام می‌نمود و دیوان را
 ۴۰ اخراج میکرد * که ناگاه مبروصی نزد وی آمده و از او استدعا نمود
 پیشش برانو در آمده گفت چنانچه خواهی توانی که مرا طاهر سازی
 ۴۱ * عیسی ترخم فرموده دست دراز کرد او را لمس نموده گفت
 ۴۲ میخواهم طاهر شو * که دفعه بعد از تکلم وی برص زایل گشته طاهر
 ۴۳ گردید * پس فی الفور او را سفارش نموده روانه گردانید * ویرا گفت

که زینهار هیچ کس را مطاع نساخته بلکه شتافته خور را بکاهن تما
 و آنچه موسی مقرر کرده است بجهت تطهیر خویش بتقدیم رسان
 ۲۵ تا آنکه شهادتی باشد بر ایشان * لیکن او بیرون شتافته شروع
 نمود بند کردن بسیار و بمشهور نمودن آنمقدمه بنهجی که آشکارا نمی
 نوانست بعد از آن داخل آن شهر شود پس در اماکن غیر مسکونه
 بسر میبرد و مردم از هر طرف بنزد وی می آمدند

باب دوم

- ۱ بعد از چند روزی باز در کفر ناحوم داخل گشته و چون بوونش در
- ۲ خانه بسمع خلق رسید * فی الفور خلق بسیاری جمع آمدند بحیثیتی که
- اماکن قریبه بدر نیز بالاخره کنجایش ایشانرا نداشت و او با ایشان
- ۳ بکلام تکلم مینمود * پس مرتعشی را که چهار کس او را برداشته بودند
- ۴ بنزد وی آوردند * و چون از کثرت انبوه ممکن نبود که او را بنزد
- وی آورند پس سقف مکانی را که در آن نشسته بود برداشته
- ۵ و شکافته تختی را که مرتعش بر آن خوابیده بود بر بر آوردند * و عیسی
- اعتقاد آنها را مشاهده نموده آن مرتعش را گفت ای فرزند کنانان
- ۶ تو آمرزیده شد * و در آنجا تنی چند از نویسندگان نشسته بودند که
- ۷ در دل خود می اندیشیدند * که چرا این شخص چنین بکفر تکلم
- ۸ می نماید کیست که تواند آمرزید کنانان را جز خدا و بس * که فی الفور
- عیسی در روح خود یافت که آنها چنین تصور نموده اند ایشانرا
- ۹ گفت چرا اینچنین تصورات مینمائید * آیا گفتن کدام یک بمرتعش
- اسهل است کنانان تو آمرزیده شد یا آنکه گفتن برخیز و تخت
- ۱۰ خود را برداشته روان شو * لیکن تا بدانید که فرزند انسانرا بر زمین

- ۱۱ قدرت عفوکنانان است پس مرتعش را فرمود* که تورا میگویم
- ۱۲ برخیز و تخت خود را برواشته بخانه خود روان شو* در ساعت
- برخواست و تخت را برواشته در پیش روی همه بیرون شتافت
- چنانکه همگی تعجب نموده و خدا را تمجید کرده می گفتند که هرگز
- ۱۳ چنین امری را مشاهده نموده بودیم* و باز بکناره دریا بیرون رفته
- ۱۴ و تمامی خلق بنزد وی آمده او ایشانرا تعلیم میفرمود* و در اثنای راه
- لاوی ابن خلفارا دید که در کمرکخانه نشسته است و پیرا گفت
- ۱۵ متابعت نما او برخواسته بعقب وی روان گردید* و در هنگامی که عیسی
- بجهت تناول غذا در خانه وی نشسته بود اتفاقاً تسی چند از باج
- کیران و معصیت کاران با عیسی و شاکردان وی نشسته بودند
- ۱۶ زانرو که هر چند بسیار بودند پیروی می نمودند* و چون نویسنده کان
- و فریسیان او را دیدند که با باج کیران و کناه کاران تناول می نماید
- تلامید و پیرا گفتند که بچه جهت با عشاران و تباہ کاران اکل
- ۱۷ و شرب می نماید* و عیسی این سخن را استماع نموده ایشانرا گفت
- آنان که صحیح اند احتیاج بطیب ندارند بلکه آنان که مریضند
- و من نیامده ام که راستانرا دعوت نمایم بلکه تا کناه کارانرا بسوی
- ۱۸ توبه بخوانم* و شاکردان یحیی و فریسیان پیوسته صایم می بودند
- پس نزد وی آمده گفتند چونست که شاکردان یحیی و فریسیان
- ۱۹ روزه میدارند و شاکردان تو صایم نمی شوند* عیسی آنها را فرمود که
- آیا ابنای بیت السروررا ممکن است ماوامی که داماد بانها است
- روزه دارند بدرستی که هنگامی که داماد با خود دارند روزه نمی
- ۲۰ توانند گرفت* لیکن ایام خواهد آمد که داماد از میان آنها برواشته

- ۲۱ شود آنگاه در آن ایام روزه خواهند داشت * و هیچ کس از کرباس درشت وصله بر پیراهن کهنه نمی گذارد و الا آن نو کامل کننده
- ۲۲ کهنه از فرامی گیرد و آن دریده کی اقبج می گردد * و هیچ کس باوه نورا در خیکهای کهنه نمی گذارد و الا آن شراب تو آن مشک را بدر و شراب بریزد و مشکها ضایع گردد بلکه می تازه را در
- ۲۳ خیکهای نو باید ریخت * اتفاقا در روز سبتی از میان کشت زاری عبور میکرد و شاکردان وی در اشنای راه شروع بخوشه چینی
- ۲۴ نمودند * پس فریسیان ویرا گفتند که ملاحظه نما که بچه قسم عمل غیر
- ۲۵ شایسترا در روز سبت بجا می آورند * و او ایشانرا گفت که آیا گاهی مطالعه نموده اید آنچه داود بعمل آورد چون محتاج کشت
- ۲۶ و کرمه کردید او و کسانیکه با وی بودند * که چگونه در خانه خدا در زمان ایشانرا کاهن بر رک در آمده و نانهایی تقدّمه را که بر غیر کهنه تناول
- ۲۷ آن جایز نیست خورد و بانهائی که با وی بودند نیز داد * پس ایشانرا گفت که سبت بجهت انسان مقرر شده است نه انسان
- ۲۸ بجهت سبت * پس فرزند انسان خداوند یوم سبت هم میباشد

باب سیم

- ۱ پس باز در مجمع داخل کشت و بود در آنجا مردی که دست او
- ۲ خشک شده بود * و آنها مترصد میبودند که شاید او را در سبت
- ۳ شفا بخشند تا بر وی اذعان نمایند * پس آن مرد دست شل را گفت
- ۴ که در میانه بایست * و آنها را فرمود که در روز سبت آیا عمل نیکو نمودن جایز است یا عمل زشت نفسی را نجات بخشیدن یا
- ۵ هلاک نمودن آنها خاموش گردیند * و باطراف بخشم بر آنها نظر

- افکنده زانرو که از سنگدلی آنها غمگین شده بان مرد گفت که
 دست خورا دراز کن و او آنرا دراز نموده که دست او چون
 ۶ دست دیگرش درست گردید * و فریسیان بیرون شتافته بی
 تأمل با هیروودین در باره وی شوری نموده که چه سانشن هلاک
 ۷ نمایند * و عیسی با شاگردان خویش بدریا متواری گشته و جمع
 ۸ بسیاری از جلیل و یهودیه در قفای وی روان شدند * و از اورشلیم
 و اردومیه و آنطرف اردن و از سکه اطراف صور و صیدا جماعت
 بسیاری بسبب استماع امور عظیمه که از صاور میکشت بروی
 ۹ جمع آمدند * پس شاگردان خورا فرمود که کشتی کوچکی از جهت
 وی نگاه دارند که مبادا از کثرت جمعیت بروی صدمه واقعه گردد
 ۱۰ * زانرو که چون جمع را شفا بخشید بسیاری که بمرضها مبتلا بودند
 ۱۱ بروی هجوم نمودند که او را مس نمایند * و چون ارواح پلیده مشاهده
 ۱۲ اش می نمودند نرد وی افتاده فریاد میکردند که توئی فرزند خدا * و او
 ۱۳ آنها را بسیار تاکید مینمود که او را شهرت ندهند * پس بر فراز
 کوهی رفته و هر کس را که میخواست طلبیده و آنها نرد وی آمدند
 ۱۴ * و دوازده نفر را مقرر فرمود که با وی باشند که آنها را روانه نماید هم
 ۱۵ بجهت وعظ نمودن * و هم بجهت قادر گردانیدن بر شفای مرضا
 ۱۶ و اخراج اجنه * و آن دوازده شمعون که بیطرسش ملقب نموده
 ۱۷ بود * و یعقوب پسر زبدي و یوحنا برادر یعقوب که آنها را به بنی
 ۱۸ رجس یعنی فرزندان رعد ملقب ساخته بود * و اندریاس و فیلیپوس
 و برتلمای و متی و ثوما و یعقوب ابن حلفا و ترمی و شمعون قنانی
 ۱۹ * و یهوای اسخریوطی که او را تسلیم نمود پس در خانه داخل گشته

- ۲۰ * و مردم باز با اتفاق می آمدند چنانچه فرصت نان خوردن هم
 ۲۱ نداشتند * و مصاحبان وی شنیده بجهت باز داشتن او بیرون
 ۲۲ شتافتند زانرو که می گفتند بتحقیق که بیهوش است * و نویسنده گان
 که از اورشلیم آمده بودند گفتند که او با علزبول وارد و دیوانرا
 ۲۳ بوساطت رئیس دیوان بیرون می نماید * پس آنها را خوانده دور
 مثالها با ایشان سخن رانده فرمود که چگونه شیطانی شیطانی را
 ۲۴ اخراج نماید * چه هرگاه مملکتی برخلاف خود منقسم گردد آن مملکت
 ۲۵ پایدار نخواهد بود * و هرگاه خانه برخلاف خود منقسم گردد آن خانه
 ۲۶ نیز پایدار نتواند بود * پس هرگاه شیطانی برخلاف خود برخیزد و جدا
 ۲۷ گردد پایدار نخواهد ماند بلکه تمام خواهد کشت * و هیچ کس در
 خانه مردمی قوی داخل کشته نتواند که امتعاش را غارت نماید جز
 ۲۸ آنکه آن مرد توانا را ببندد و آنگاه خانه اش را غارت نماید * و بد رستی
 که بشما میگویم که تمامی کنان بنی آدم آمرزیده خواهد شد حتی
 ۲۹ کفر چند آنکه کفر ورزند * مگر آنکه بروج القدس کفر گویند که هرگز
 ۳۰ آمرزیده نخواهد شد بلکه مستوجب عذاب ابدیست * زیرا که آنها
 ۳۱ گفته بودند که در وی روح خبیث میباشد * آنگاه برادران و مادر وی
 ۳۲ آمده و بیرون ایستاده نزد وی فرستاده او را طلب نمودند * و جماعتی
 که بر اطراف وی نشسته بودند او را گفتند اینک مادر و برادرانت
 ۳۳ تورا در بیرون طلب مینمایند * که ایشانرا جواب داده گفت که مادر
 ۳۴ من کیست و برادرانم کدامند * پس بر آنانی که بر اطراف وی
 ۳۵ نشسته بودند نظر افکنده گفت اینست مادر و برادرانم * زانرو که هر کس
 که خواهش خدا را بعمل می آورد برادر و خواهر و مادر منست

باب چهارم

- ۱ و باز برکناره دریا آغاز تعلیم نمود و جماعت بسیاری بروی جمع کشته بنهجی که در کشتی داخل کشته بر دزیا قرار گرفت و تمامی
- ۲ آن جماعت نزدیک بدریا در خشکی میبوزند* در چیزهای بسیاری
- ۳ آنها را در مثالها تعلیم نمود و در اثنای تعلیم نمودن ایشانرا فرمود
- ۴ * که بشنوید بزرگرمی بجهت زراعت نمودن بیرون رفت * اتفاقاً
- ۵ در اثنای زرع نمودن بعضی برکناره راه ریخته و مرغان هوا آمده
- ۶ آنها را خورزند * و بعضی بر سنگلاخ افتاده چنانچه خاک بسیاری
- ۷ نداشت و چون در خاک عمیق نداشت فی الفور نمود نمود* لیکن
- ۸ چون آفتاب طالع کشت بجهت حرارت پرموده کشت
- ۹ و چون ریشه نداشت خشک گردید* و بعضی در میان خارها کاشته
- ۱۰ گردید و همان خار نمود نموده خفداش نمود و هیچ ثمر نیاورد* و بعضی در
- ۱۱ زمین نیکو کاشته گردید و رسید ثمری که نمود نموده و زیاد شده بعضی
- ۱۲ سی و بعضی شصت و بعضی صد چندان ثمر آورد* پس آنها را
- ۱۳ فرمود که هر کس کوش شنوا وارو بشنود* و چون تنها گردید آنانی
- ۱۴ که نزد وی بوزند با آن دوازده نفر معنی مثل را از وی استفسار
- ۱۵ نمودند* و ایشانرا فرمود که دریافت نمودن رموز ملکوت خدا بشما
- ۱۶ داده شده است اما بانانی که خارجی هستند تمامی چیزها در امثال
- ۱۷ بیان میشود* تا پیوسته بنکزند و نه بینند و پیوسته کوش دهند و نه
- ۱۸ فهمند مبادا که گاهی پشیمان شوند و کنایان ایشان آزمزیده شود
- ۱۹ * پس آنها را فرمود که آیا این مثل را نمی یابید پس تمامی مثالها را
- ۲۰ چگونه خواهید یافت * بزرگ آنست که کلمه را میکارو* و آنانی که بر

- کناره راهد آنجاست که کلمه در آن کاشته میشود و چون کلمه را می شنوند فی الفور شیطان می آید و آن کلمه را که در دلها می ۱۶ آنها کاشته شده است میرباید * بهمین وضع آنها که بر زمین سنکلاخ کاشته شده بوزند آنانند که چون کلمه را می شنوند بخوشنودی ۱۷ می الفورش قبول می نمایند * و در خود ریشه ندارند بلکه چندی مانده چون زحمتی یا تصدیعی بجهت آن کلمه واقع گردد بیدرنک ۱۸ لغزش می یابند * و آنها که در میان خارها کاشته شده بوزند آنانند که ۱۹ کلمه را می شنوند * لیکن افکار و نیوی و فریب توانگری و هوس ۲۰ چیزهای دیگر داخل کشته کلمه را خفه مینماید و بی ثمر میگردد * و آنها می که بر زمین نیکو افتاده بوزند آنانند که کلمه را شنیده قبول می نمایند و بعضی سی و بعضی شصت و بعضی صد مانند ثمر می آرند ۲۱ * و آنها را فرمود که آیا چراغ می آید بجهت گذارده شدن در زیر پیمان یا بریر تخت نی بلکه بجهت گذاشته شدن بر چراغدان ۲۲ * زانرو که هیچ پنهان نیست که ظاهر خواهد گشت و هیچ پوشیده ۲۳ نیست جز آنکه آشکارا گردد * هر کس که گوش شنوا دارد بشنود ۲۴ * و ایشان را فرمود بتارید که چه می شنوید از هر پیمان که می پیمائید بجهت شما پیموده خواهد شد و بشما که می شنوید زیاد خواهد ۲۵ گشت * چه بآن کس که دارد داده خواهد شد و آنکس که ندارد ۲۶ نیز آنچه دارد از او گرفته خواهد گشت * و باز فرمود که ملکوت خدا ۲۷ چنین است که مروی تخم را در زمین می افشانند * و خواب رود پس شب و روز بر خیزد و آن تخم نمو و نشو می کند و او مطلع ۲۸ نیست که چون میشود * زانرو که زمین از خویش میرویند اول

- ۲۹ علف بعد از آن سنبله پس وانه کامل در آن سنبله * وچون
 ثمر خویش را ظاهر سازد فی الفور واس را بکار میبرد زیرا که هنگام
 ۳۰ ورو رسیده است * و باز فرمود که ملکوت خدا را بچه چیز شبیه
 ۳۱ سازیم یا بچه مثال تمثیلش نائیم * وانه خردلی را ماند که چون بر
 زمین کاشته میگردد از همگی وانهائی که بر زمین است کوچک
 ۳۲ تر است * و چون کاشته کشت نمود میباید و برترترین همه بقولات
 می شود پس شاخهای بزرگ می افرازد چنانچه مرغان هوا در
 ۳۳ زیر سایه آن قرار میتوانند گرفت * و چون این مثالها بسیاری
 دیگر بجهت آنها بر حسب استعداد شان کلمه را بیان میفرمود
 ۳۴ * و بجز مثل آنها تکلم نمیفرمود و همه چیزها را بشما کردان خویش
 ۳۵ خفیه حالی میمود * و در همانروز چون شام کشت ایشانرا گفت
 ۳۶ بیایید تا بانطرف عبور کنیم * و آنجماعت را رخصت بر کشتن واوه
 و چنانچه در کشتی بود برزدش و چند کشتی کوچک نیز با او بودند
 ۳۷ * و طوفان عظیمی از هوا پدید آمد چنانچه موج کشتی را صدمه زد که
 ۳۸ بالاخره مشرف بغرق شد * و او در دنبال کشتی بر بالشت خفته بود
 پس او را بیدار نموده باو گفتند ای استاد هیچ نمی اندیشی که هلاک
 ۳۹ شویم * پس بر خواسته هوارا نهیب فرمود و دریا را فرمود که ساکن
 ۴۰ شو و آرام گیر که هوا ساکن کشته آرام کاملی پدید آمد * و آنها را
 فرمود که بچه سبب چنین مضطرب میباشید چرا اعتقاد ندارید
 ۴۱ * و ایشان بسیار مخوف کشته باهم می گفتند که این کیست که
 باو و دریا هم اورا اطاعت مینمایند

باب پنجم

- پس بان کنارۀ دریا بسرزمین کدرئین آمدند * و چون از کشتی بیرون آمد فی الفور شخصی از قبرستان با ویو پلید بومی دو چار کشته * که در میان قبرستان ساکن بود هیچ کس بزنجیر هم او را نمی توانست بند نمود * زیرا که بارها بکندنا وزنجیرها بسته شده بود و زنجیرها را کسینخته و کندار می شکست و هیچ کس او را رام نمی توانست نمود * و پیوسته شب و روز در کوهها و قبرها فریاد مینمود
- ۴ و خوروا بسنگ مجروح میکرد * چون عیسی را از دور مشاهده نمود
- ۷ روان آمده ویرا سجود نمود * و باواز بلند فریاد نموده گفت که ای عیسی فرزند خدایتعالی مرا با تو چه کار است تو را بخدا سوگند میدهم که عذاب مندهی * زانرو که ویرا گفته بود که ای ویو پلید از این شخص
- ۹ بیرون آمی * پس از وی سوال نمود که چه نام داری گفت که نام من لغیون است زانرو که بسیار هستیم * و از وی استدعای بسیار نمودند که ایشانرا از آن مرزوبوم اخراج نماید * و در آنجا نزدیک بکوه
- ۱۲ کله بزرگی از گراز میچیریدند * و همه ویوا از وی خواهش نمودند که مارا
- ۱۳ بان گرازها بفرست تا در آنها داخل کردیم * و فی الفور عیسی آنها را اجازت داد و آن روحهای خبیثه بیرون رفته در آن خوکان داخل گشته که آن کله از کمر کوه بدریا جستنند و قریب بدو هزار بودند که در دریا خفه شدند * و شبانان کربخته مردم آن شهر و نواحی را آگاه نمودند و ایشان بجهت تماشای آن سرگذشت
- ۱۵ بیرون شتافتند * و نزد عیسی آمده ویوانه را که لغیون در وی بود مشاهده نمودند که نشسته و لباس پوشیده و هوشیار گشته است

- پس خایف کریدند * و کسانیکه آنمقدمرا مشاهده نموده بودند
۱۷. بجهت ایشان سرگذشت دیوانه و کراز را نقل نمودند * پس
۱۸. آنها شروع بانتماس نمودند که از حدود ایشان رحلت نماید * و چون در کشتی درآمد شخصی که دیوانه بود استدعا نمود که با وی باشد
۱۹. * و عیسی اجازتش فرموده بلکه ویرا فرمود که بخانه خویش بسوی خویشان خود برو و ایشان را مطلع گردان که خداوند چه امور عظیمه
۲۰. بجهت تو بظهور آورد و چگونه برتر تخم فرمود * و از آنجا رفته در مدائن عشر شروع به بیان آن امور که عیسی بجهت وی نموده بود کرد
۲۱. که تمامی خلق متحیر گردیدند * و چون عیسی باز بانطرف در کشتی عبور نمود مردم بسیاری بروی جمع گشتند و او هنوز نزدیک بدر یا
۲۲. بود * که ناگاه شخصی یائروس نام از روسای مجمع آمده و او را
۲۳. ملاحظه نمود و بر قدمهایش افتاد * و بسیار التماس نموده گفت که دختر کوچک من مشرف بمرگست بیا و بر او دست بگذار که شفا
۲۴. یافته زنده ماند * پس با او روان گشته و خلق بسیاری از قفایس
۲۵. روان گشتند و او را مزاحم می شدند * از اتفاقات آنکه ضعیفه که
۲۶. و واروه سال میبود که بمرض سیلان خون گرفتار بود * و معالجات بسیار از اطباء متعدده یافته و هر چه داشته صرف نموده بجای نرسید
۲۷. بلکه شدت نموده بود * چون خبر عیسی را شنیده در آن کثرت
۲۸. از عقب وی آمده لباسش را مس نمود * زانرو که با خود اندیشیده
۲۹. بود که اگر همین لباسش را مس کنم نجات خواهم یافت * که در
- ساعت جریان خون وی ایستاده و از خود دریافت نمود که از
۳۰. آنمرض صحت یافته است * و در هماندم عیسی ادراک نمود که

- قوتی از وی بیرون رفت پس بان کثرت توجه نموده فرمود که
- ۳۱ کیست آنکه رخت مرا مس کرد * وشاکردان وی گفتندش که می نگریم که این کثرت بر تو هجوم می آزند و میفرمائی کیست که مرا
- ۳۲ مس نمود * پس باطراف بجهت مشاهده آن زن که این
- ۳۳ عمل را نموده بود نگریست * لیکن زن ترسان و هراسان آنچه از وی صادر شده بود دانسته آمد و نژد وی افتاده تمامی حقیقت را
- ۳۴ بوی ظاهر ساخت * ویرا فرمود که امی دختر عقیده تو مرا نجات داد برو سلامت و از مرض خویش رستگار باش * و درین گفتگو
- بود که از منسوبان رئیس مجمع چندی آمده گفتندش که دخترت وفات نمود از برای چه استاورا بیش ازین زحمت میدهی
- ۳۵ * و عیسی آنمقدمه را می شنید در ساعت بر رئیس مجمع گفت که خایف مباش همین اعتقاد نما و بس * و جز پطرس و یعقوب
- ۳۶ و یوحنا برادر یعقوب هیچ کس را رخصت متابعت نفرمود * و در خانه رئیس مجمع داخل کشته غوغائی را با آنان که گریه و نوحه بسیار
- ۳۷ می نمودند مشاهده کرد * پس داخل کشته بانها فرمود که بچه جهت غوغا و گریه می کنید و حال آنکه این دختر نمروه بلکه خوابیده است
- ۳۸ * و ایشان بروی خندیدند پس همگی ایشانرا بیرون کرده پدر و مادر دختر و آنانی را که با وی بودند بهمراه خود بر داشت و در آنجا که
- ۳۹ دختر خوابیده بود رفت * و دست دختر را گرفته فرمود طالبینا قومی که ترجمه اش اینست بتو میگویم امی دختر بر خیز * که در
- ساعت دختر برخاسته خرامان کردید که دوازده ساله بود و ایشان
- ۴۰ بی نهایت تعجب نمودند * پس ایشانرا بسیار تاکید فرمود که

احدی ازین مقدمه مطلع نکرود و فرمود که چیزی بجهت خوردن
باو بدهند

باب ششم

۱ پس از آنجا روان کشته بوطن خویش آمد و شاگردانش ویرا تبعیت
۲ نمودند * چون روز سبت رسید در مجمع آغاز تعلیم دادن نمود
و بسیاری که کلام ویرا شنیده تعجب کردند و گفتند که این شخص را
این چیزها از کجا بهم رسید و این چه حکمت است که بوی داده
۳ شده است که چنین امور قوی از دستهای وی صادر میشود * مگر
این نه آن تجار فرزند مریم است برادر یعقوب ویوسا و یهووا
و شمعون و مکر نه خواهران او در اینجا نزد ما میباشند و در حق او
۴ لغزش می یافتند * لیکن عیسی آنها را فرمود که هیچ پیغامبری بی
احترام نیست جز در وطن خود و در میان اقران و خانه خویش
و در آنجا هیچ امر قوی نتوانست نمود جز آنکه بر چند مریض دست
۵ نهاده شفا بخشید * و از عدم اعتقاد آنها تعجب کرد * و باطراف
۶ قرا بتعلیم دادن روان گردید * پس دوازده نفر را نزد خود خوانده
و در روانه نمودن آنها جفت جفت شروع نمود و آنها را بر روحهای
۸ پلیده قدرت بخشید * و ایشانرا فرمود که بجهت سفر با خود توشه
وانی یا نانی یا نخاسی در میان همیان بر ندرید جز عصای و بس
۱۰ * لیکن کفش پوشید و دو قبا میپوشید * و ایشانرا فرمود که در هر جا که
۱۱ بخانه داخل شوید در همانجا بمانید تا از آنجا روانه شوید * و اشخاصی که
شما را نپذیرند و کلام شما را نشنوند چون از آنجا بیرون آید کرد قدمهای
خود را بر افشانید تا شهادتی باشد بر آنها بدرستی که بشما میگویم که در

- روز جزا بر سرزمین سدوم یا غمزه اسهل خواهد بود ازین شهر
- ۱۳ * پس آنها بیرون رفته ندا میموند که توبه نمایند * و دیوان بسیار را
 اخراج نمودند و بیماران متعددا بروغن چرب نموده شفا بخشیدند
- ۱۴ * و از آنجا که اسم وی شهرت یافته بود هیروویس ملک آوازه
 اش را شنیده گفت که بجای غسل و زده است که از مرده
 کان برخواسته و بدین جهت امور عجیبه از وی صادر میگردد
- ۱۵ * و دیگران گفتند که الیاس است و بعضی گفتند پیغمبری یا مانند
 یکی از پیغمبران * اما هیروویس شنیده گفت که این بجای است
- ۱۶ که گردنش را زده بودم و الحال از مرده کان برخواسته است * زیرا که
 همین هیروویس بجهدت خاطر هیروویا زن برادرش فیلیپوس
 فرستاده بجایی را دستگیر کرده در محبسش حبس نمود زانرو که
- ۱۸ آن زن را در عهدۀ نکاح آورده بود * و بجایی هیروویس گفته بود که نکاح
 داشتن زن برادرت بر تو جایز نیست * ازین جهت هیروویا
- ۱۹ در کمین وی می بود که او را بقتل رساند لیکن نمی توانست
 ۲۰ * زیرا که هیروویس از بجایی خوف میموند از آنجا که او را مرد صدیق
 و مقدس میدانست و رعایتش نموده کلامش را شنیده اعمال
 ۲۱ بسیار بجا می آورد و سخنش را بخوشی می شنید * و چون هنگام
 فرصت رسید که هیروویس در روز تولد خود بجهدت امر خود
 ۲۲ و مین باشی با و بررگان جلیل ضیافتی نموده بود * که دختر هیروویا
 داخل کشت رقصی نمود که هیروویس را با همنشینان مسرور
 نموده ملک آن دختر را گفت که هر آنچه خواهش داری از من
 ۲۳ بطلب که من بتو خواهم بخشید * و بجهدت وی سوگند خورده

- گفت هر آنچه از من سوال نمائی اگر چه نصف ملک من باشد
- ۲۲ بتو از زانی خواهم فرمود * و او بیرون رفته از مادر خود سوال نمود که
- ۲۵ چه طلب نمایم گفت سر یحیی غسل و زنده را * پس بسرعت
- تمام نزد ملک اندرون آمده سوال نمود که گفت که خواهش آن
- دارم که درین دم سر یحیی غسل و زنده را در طشتی بمن عنایت
- ۲۶ فرمائی * و ملک بغایت دلگیر گشته لیکن بجهت پاس سوگند
- ۲۷ و خاطر جوئی مجلسیان نخواست که مایوسش نماید * فی الفور پادشاه
- جلای را فرستاده باوردن سر وی فرمائی داد و او رفته سرش را
- ۲۸ در زندان جدا ساخت * و سر را در طشت آورده به دختر سپرد
- ۲۹ و دختر آن را با در خویش رسانید * و شاکروان وی شنیده آمدند
- ۳۰ و جسدش را برداشته در قبری نهادند * و حواریان نزد عیسی جمع
- گشته همگی مقدمات را از آنچه بعمل آورند و از آنچه تعلیم نمودند
- ۳۱ بوی بیان کردند * پس ایشانرا گفت که بنهائی در مکان خلوتی
- رفته اندکی آرام بگیریید زیرا که مترودین چندان بودند که مجال
- ۳۲ تناول طعام نداشتند * پس بنهائی در کشتی بمکان ویرانی
- ۳۳ رفتند * و در اثنای رفتن آنها مردم او را دیده بسیاری شناختندش
- و از تمامی شهرها پیاده در عقب وی بانجا شتافتند و بر آنها سبقت
- ۳۴ بسته با هم نزد وی آمدند * و عیسی بیرون آمده خلق بسیار را
- مشاهده نمود که چون کوسفندان بی شبان بودند پس بر ایشان
- ۳۵ ترحم فرمود و شروع نمود ایشانرا چیزهای بسیار تعلیم کرد * و چون
- مدت کثیری از روز گذشت شاکروان وی نروش آمده گفتند
- ۳۶ این مکان ویرانست و وقت منقضی شده است * ایشانرا

رخصت فرماتا مگر با بومی و دوات این نواحی رفته نانی بجهت
 خویش خریده باشند زانرو که چیزی بجهت خوراک خود ندارند
 ۳۷ * ایشانرا جواب فرمود که شما آنها را خوراک دهید ویرا گفتند آیا
 ۳۸ برویم و دو صد وینار نان خریده ایشان را طعام دهیم * آنها را فرمود
 بروید و ملاحظه نمائید که چند نان دارید و ایشان ملاحظه نموده گفتند
 ۳۹ که پنج نان و دو ماهی * ایشانرا فرمود که همگی مروج را دسته دسته
 ۴۰ بر سبزه ها بنشانید * که ایشان صف بصف صد صد و پنجاه پنجاه
 ۴۱ بنشستند * پس آن پنج کرده و دو ماهی را گرفته بسوی آسمان نظر
 نموده و آنها را برکت داده کرده را بشکست و بشاکردان خود داده
 ۴۲ تا پیش بگذارند و دو ماهی را نیز بر مجموع آنها تقسیم نمود * و تمامی
 ۴۳ خوروه سیر گشتند * و روز سهید مملو از پاره های نان و از ماهیان
 ۴۴ نیز بر داشتند * و خورنده کان آن ناهای قریب پنج هزار مرد بودند
 ۴۵ * و فی الفور شاکردان خود را به سوار شدن بر کشتی و با آن طرف در
 بیت صیدا رفتن قبل از خود مجبور فرمود ما دومی که خود مروج را
 ۴۶ رخصت میفرمود * پس آنها را رخصت داده بجهت نماز گذاردن
 ۴۷ بر کوهی صعوو فرمود * و چون شام گشت کشتی در میان دریا
 ۴۸ واو بر خشکی تنها میبود * و آنها را در پارو کشیدن خسته دیده
 زانرو که باو مخالف آنها بود پس نزدیک بساعت چهارم از
 شب بر دریا حرامان گشته نرو ایشان آمد و قصد گذشتن از آنها
 ۴۹ داشت * و ایشان او را بر دریا حرامان دیده صورت و همی تصور
 ۵۰ نموده فریاد کردند * زیرا که تمامی چون او را دیده مضطرب گریزند
 و در ساعت ایشانرا مخاطب فرموده گفت خاطر جمع باشید که

۵۱ من هشتم خایف مباشید * پس در کشتی نژد ایشان رفت و بار
 ۵۲ ساکن کردید و آنها بی نهایت بیهوش شدند و متحیر گشتند * که
 ۵۳ معجزهٔ نان را تصور نمودند از آنجا که دل ایشان سخت بود * پس
 ۵۴ عبور نموده بر مین کنیسرت آمده و در آنجا لنگر افکندند * و چون از
 ۵۵ کشتی بیرون آمدند فی الفور مردم او را شناختند * و همگی نواحی
 آن ملک دویدند و هر جا که شنیدند که او در آنجاست شروع
 ۵۶ باوردن بیماران بر تختها نمودند * و در وناات و شهرها و ممالک هر جا که
 داخل میکشت بیماران را در بازارها گذاشته و از وی استعدا می نمودند
 که همین وامن قبایش را مس نمایند و هر کس که او را مس نمود
 شفای یافت

باب هفتم

۱ آنگاه فریسیان و بعضی از نویسندگان از اورشلیم آمده نزد وی
 ۲ جمع گردیدند * و بعضی از شاگردان او را دیدند که بدستهای نامطهر
 یعنی بدستهای ناشسته چیز میخوردند پس آنها را ملامت نمودند
 ۳ * زیرا که فریسیان و نامی یهود سنت سلف را قائم گرفته تا
 ۴ دستها را پیوسته نشویند اکل نمی نمایند * و هر گاه که از بازار آیند تا
 شست و نشو نمایند نمیخوردند و بسیار رسوم دیگر میباشد که یافته اند
 که باید نگاه داشت چون شستن پیالهها و قندرها و ظرفهای برنجی
 ۵ و کرسیها * پس فریسیان و نویسندگان از وی پرسیدند که
 چونست که شاگردان تو بر وفق رسم قدام عمل نمی نمایند که
 ۶ بدستهای ناشسته نان میخوردند * در جواب آنها فرمود که ای
 ریاکاران بدرستی که اشعیا در باره شما خوب اخبار فرموده است

- چنانچه نوشته شده است که این گروه را بلبها محترم میدانند
 ۷ دل ایشان از من دور است * و مرا باطل عبادت مینمایند که
 ۸ احکام خلق را چون فرایض تعلیم می نمایند * زانرو که حکم خدا را ترک
 نموده بقواعد خلق متمسک میگردید مانند شستن قدحها و پیاله ها
 ۹ و چنین چیزهای دیگر بسیار که بعمل می آورید * و فرمود آنها را که
 حکم خدا را بخوبی باطل می نمائید تا آنکه سنت خویش را محکم
 ۱۰ دارید * چنانچه موسی فرموده است که پدر و مادر خود را محترم دار
 ۱۱ و هرکس که پدر یا مادر را سب نماید البته هلاک شود * و شما
 میگوئید که هرگاه شخصی پدر یا مادر را بگوید که آنچه تو از مال من
 بان منتفع خواهی شد قربان یعنی هدیه است معاقب نخواهد
 ۱۲ بود * و بعد از آن مرخصش نمینمائید که بجهت پدر یا مادر خود
 ۱۳ چیزی بعمل آرد * و کلام خدا را بسنت خویش که بدعت نهاده اید
 ۱۴ باطل میکنید و چنین کارها بسیار می نمائید * پس تمامی آن گروه را
 ۱۵ خوانده فرمود که بشنوید از من همگی بدانید * که چیزی نیست که
 از خارج در انسان داخل گشته تواند که نجسش نماید بلکه آنچه از
 ۱۶ وی بیرون می آید آنست که او را نجس مینماید * کسی که کوش
 ۱۷ شنوا دارد بشنود * و چون از پیش خلق بدرون خانه رفت
 ۱۸ شاکردانش از آن مثال از وی سؤال نمودند * و ایشان را فرمود که
 مگر شما هم بهمان قسم بیفهم هستید و نمی فهمید که هرچه از بیرون
 در انسان داخل می شود قادر بر نجس نمودن وی نیست
 ۱۹ * زانرو که بدرون دل وی داخل نمیشود بلکه در درون شکم رفته
 ۲۰ و بمزبله میروند آنچه همگی غذا را پاک میسازد * و باز فرمود که آنچه

- ۲۱ از انسان بیرون می آید آنست که انسانرا نجس میسازد * که از درون دل انسانی خیالات بد بیرون می آید و فسق و زنا و قتل
- ۲۲ * و زودی و طمع و شرارت و تغلب و بی مبالائی و چشم بد و کفر
- ۲۳ و تکبر و بی تمیزی * تمامی این چیزهای بد از درون می آید و انسانرا
- ۲۴ نجس میسازد * پس از آنجا برخاسته بسرحد صور وصیدا رفته در خانه داخل کشت و میخواست که هیچ کس مطلع نگردد لیکن
- ۲۵ مخفی نمی توانست شد * زانرو که ضعیفه که دختر کوچک وی روح
- ۲۶ پلید داشت خبرش را شنید و آمده بر پاهای وی افتاد * و بود
- آنرن یونانی و از اهل سریامی فینقی و از وی استدعا نمود که جتی را
- ۲۷ از دخترش بیرون نماید * لیکن عیسی ویرا فرمود که نخست بگذار که فرزندان سیر شوفد زانرو که گرفتن نان فرزندان و نرو سگان
- ۲۸ گذاشتن نیکو نیست * و او جواب داد که چنین است خداوند
- لیکن سگان زیر مایه هم از خورده نانههای فرزندان اکل می نمایند
- ۲۹ * ویرا فرمود که بجهت این سخن روانه شو که جن از دختر تو
- ۳۰ بیرون رفته است * پس بخانه خویش آمده یافت که آن دیو
- ۳۱ بیرون رفته است دختر را بر بستر می خفته یافت * و باز از نواحی
- صور وصیدا روان کشته بوسط مرز و بوم مداین عشر بسوی دریای
- ۳۲ جلیل آمد * پس گرمی را که زبانش میگرفت نرو وی آورده استدعا
- ۳۳ نمود که او را دست گذارد * و او او را از آن جمعیت برکناره
- برده انگشتهای خورا در کوشش کرد و آب دهن تر نموده زبانش را
- ۳۴ مس فرمود * و آسمان نگریسته آهی کشید و ویرا گفت افتخ یعنی
- ۳۵ باز شو * که در هماندم گوشهای وی بازگشته و عقده زبانش کشاوه

۳۶ شد و بدرستی تکلم فرمود * و آنها را قدغن فرمود که هیچ کس را مطلع
 نسازند و ایشان پیش از آنچه او تاکید فرموده بود او را مشهور نمودند
 ۳۷ * و بی نهایت تعجب گروه گفتند که جمیع کارها را بخوبی نموده است
 چنانچه کارها را شنوا و کنهها را گویا ساخته

باب هشتم

- ۱ و در آن اوان هنگامی که بسیار جمعیت بود و مطلقا چیزی بجهت
- ۲ خوردن نداشتند عیسی شاکردان خود را خوانده بآنها فرمود * که مرا
 بر این گروه رحم می آید زانرو که الحال سه روز است با من
- ۳ میباشند و چیزی بجهت خوراک نیافته اند * و اگر آنها را مرخص
 نمایم که گرسنه بخانههای خود روند در عرض راه ضعف خواهند نمود
- ۴ زانرو که بعضی از آنها از اماکن بعیده آمده اند * و شاکردان وی
 او را جواب دادند که چه سان کسی درین مکان ویران این
- ۵ مردم را از نان سیر تواند نمود * از آنها پرسید که چند نان دارید
- ۶ گفتند هفت * پس خلق را فرمود که بر زمین بنشینید و آن
 هفت نان را گرفته و شکر بجا آورده پاره کرد و بشاکردان خود داد
- ۷ تا پیش ایشان برند و آنها پیش روی خلق نهادند * و قدری از
 ماهیان کوچک داشتند پس او برکت داد فرمود تا آنرا نیز
- ۸ پیش گذارند * پس آنها خوروه سیر گشتند و از پاره های که زیاد آمد
- ۹ هفت طبق بر داشتند * و اشخاصی که خوروند قریب بچهار هزار
- ۱۰ مرد بودند پس آنها را مرخص فرمود * و در ساعت در کشتی در آمده
- ۱۱ با شاکردان خود بنواحی و کمنوئا آمد * و فریسیان بیرون شتافته
 با وی آغاز مناظره نمودند و بر سبیل امتحان آیت سماوی از وی

- ۱۲ خواستند * که دلگیر گشته فرمود که از بهر چه این طبقه آیت را طلب مینمایند بدرستی که بشما میگویم که هیچ آیت باین طبقه داده
- ۱۳ نخواهد شد * و آنها را ترک فرموده باز در کشتی سوار شده بطرف
- ۱۴ و بیکر روانه گشت * و ایشان نان گرفتن را فراموش کرده جز یک
- ۱۵ کرده در کشتی با خود نداشتند * و او ایشان را قدغن فرمود که با خبر بوده از خمیر مایه فریسیان و خمیر مایه هیروویس احتیاط نمائید
- ۱۶ * و ایشان با خود اندیشیده گفتند زانست که نان نداریم * و عیسی از آن مطلع شده بایشان فرمود که بچه سبب قیاس مینمائید که از آنجاست که نان نداریم آیا هنوز درک نمی نمائید و نمی فهمید
- ۱۸ و تا حال دل‌های خورا سخت دارید * آیا که چشم دارید و نمی
- ۱۹ بینید و گوش دارید و نمی شنوید و یاد نمی آرید * آنوقت که پنج کرده را بر پنج هزار تقسیم نمودم چند طبق مملو از پاره ها بر داشتید و پرا
- ۲۰ گفتند دوازده * و آنوقت که هفت را بر چهار هزار چند سبد مملو
- ۲۱ از پاره ها بر داشتید گفتند هفت * ایشانرا فرمود پس چرا دریافت
- ۲۲ نمی نمائید * و به بیت صیدا آمد که کوری را مردم نرد وی آوردند
- ۲۳ و آنماس نمودند که او را مس نمایند * و او دست کور را گرفته از قریه
- اش بیرون برد و آب دهن بر چشم‌های وی افکنده و دست‌های
- ۲۴ خورا بر وی گذاشته ستوال نمود که چیزی میتوانی دید * و او بالا
- ۲۵ نگرسته گفت مردمان را چون درخت روان می بینم * بعد از آن
- دست بر چشم‌های وی نهاده ببالا نگرانش ساخت و او صحیح
- ۲۶ گشته هر کس را آشکارا میبید * پس او را بخانه اش فرستاده
- ۲۷ گفت که نه داخل قریه شو و نه در آنجا بکسی بگو * و عیسی و شاگردان

و مات قیصریه فیلپوس رفتند و در اثنای راه از شاکردان خویش
 ۲۸ سؤال نموده گفت که مردم مرا چه کس میگویند * ایشان جواب
 دادند که یحیای غسل دهنده و بعضی الیاس و بعضی یکی از
 ۲۹ انبیا * ایشانرا فرمود که شما مرا چه کس میدانید که پطرس جواب
 ۳۰ داده گفت تو مسیح هستی * پس آنها را قدغن فرمود که هیچ
 ۳۱ کس را ازو مطلع نسازند * و شروع در تعلیم آنها فرموده باینکه
 فرزند انسانرا ضرور است متحمل چیزهای بسیار شدن و از مشایخ
 و رؤسای کهنه و نویسندهگان مرودو شدن و کشته کشتن و بعد از سه
 ۳۲ روز برخاستن * و اینمقدمه را آشکارا فرمود چنانچه پطرس اورا گرفته
 ۳۳ شروع بملامت نمود * و او برگشته بر شاکردان خود نظر افکنده
 پطرس را نهیب داده فرمود که ای شیطان از عقب من برو
 زیرا که اندیشه تو از الهیات نیست بلکه از انسانیات است
 ۳۴ * پس مردم را با شاکردان خویش خوانده آنها را فرمود که هر که
 خواهش آمدن در عقب من دارد خور را انکار نموده و صلیب
 ۳۵ خور را برداشته و مرا پیروی نماید * زانرو که هر کس که خواهد که نفس
 خور را نجات دهد هلاکش خواهد نمود لیکن هر کس که بجهت
 ۳۶ تحمیل نفس خور را تلف نماید نجاتش خواهد داد * چه اگر انسان
 تمامی دنیا را جمع نماید و نفس خور را هلاک سازد چه فایده بجهت
 ۳۷ وی خواهد داشت * یا آنکه انسان چه چیز بعوض جان خود
 ۳۸ خواهد داد * لهذا هر کس که درین طبقه زانی گناهکار از من واز
 کلام من شرمند شود فرزند انسان نیز هنگامی که در جلال پدر
 خود با ملائکه مقدمه خواهد آمد از وی شرمند خواهد بود

باب نهم

- ۱ پس آنها را فرمود بدرسی که بشما میگویم درین ایستاده‌گان
- کسانی میباشند که زایقهٔ مرک را خواهد چشید ما دومی که مشاهده
- ۲ نمایند که ملکوت خدا با قدرت می آید * و بعد از شش روز عیسی
- پطرس و یعقوب و یوحنا را برواشته بتنهائی بر فراز کوه بلندی برو
- ۳ و چهره اش در نظر آنها متغیر گشت * چنانچه لباس وی
- درخشان و چون برف بغایت سفید گردید که هیچ کافری در
- ۴ روی زمین چنان سفید نمی تواند نمود * والیاس با موسی بر آنها
- ۵ ظاهر گردیدند که با عیسی تکلم مینمودند * پس پطرس توجه نمود
- بعیسی گفت ربی ما را نیکوست که در اینجا مانده و سه سایبان
- یکی بجهت تو یکی بجهت موسی یکی بجهت الیاس آراسته
- ۶ کنیم * زانرو که نمی فهمید که چه میگوید از آنجا که هراسان شده
- ۷ بودند * که ابری بر آنها سایه انداخته و صدائی از آن ابر گفت
- ۸ اینست پسر محبوب من اورا بشنوید * و در ساعت بهر طرف
- ۹ نظر انداخته جز عیسی و بس هیچ کسی را با خود ندیدند * و هنگامی که
- از کوه بشیب می آمدند ایشانرا تاکید فرمود که از آنچه مشاهده
- نموده بودند هیچ کسی را مطلع نسازند تا آنکه فرزند انسان از
- ۱۰ مرده‌گان برخیزد * و آن سخن را گرفته با یکدیگر مباحثه می نمودند که
- ۱۱ آیا برخاستن از میان مرده‌گان چه خواهد بود * پس از وی
- سوال نمودند که پس چرا نویسندگان میگویند که آمدن الیاس
- ۱۲ نخست ضروریست * آنها را در جواب فرمود بدستی که الیاس
- پیش می آید و همه چیز را درست مینماید و بنوعی که نوشته شده

- است بجهت فرزند انسان که زحمت‌های بسیار کشند و او را نا
 ۱۳ چیز انکارند خواهد شد * لیکن من بشما میگویم بدرستی که چنانچه
 بجهت الیاس نوشته شده بود آمد و آنچه خواستند بر وی جاری
 ۱۴ ساختند * پس نژد شاکروان خود آمده وید جماعت بسیاری را بدور
 ۱۵ آنها و نویسنده‌گانرا که با آنها مباحثه می‌موزند * و فی الفور تمامی
 خلق بمحزرو دیدنش متحیر گشته و روان پیش آمده بروی سلام
 ۱۷ نمودند * پس نویسنده‌گانرا پرسید که با اینها چه مباحثه مینمائید * که
 یک نفر از آن جماعت جواب داده گفت که ای استاد فرزند
 ۱۸ خود را که روح کنک در اوست نژد تو آورده‌ام * که هر جا او را
 میکیرو بر زمینش می اندازد چنانکه کف میناید و زندان‌های خود را
 بر هم میزند و پیوسته لاغر میشود و شاکروان تو را گفتم که او را بیرون
 ۱۹ کنند لیکن نتوانستند * او را جواب داده فرمود ای طبقه بی ایمان
 ۲۰ تا کجا با شما باشم و تا کی متحمل شما کردم نژد منش آرید * پس
 او را نژد وی آوردند و چون او را دید در ساعت روح ویرا گرفته
 ۲۱ بر زمین افتاد و کف نموده می غلطید * پدر ویرا پرسید که چند
 ۲۲ گاهست که باین مرض مبتلاست گفت از طفولیت * و بارها
 او را هم در آتش هم در آب افکنده است که هلاکش نماید
 خلاصه چنانچه کاری میتوانی نمود بر ما ترجم فرموده ما را امداد نما
 ۲۳ * عیسی ویرا فرمود که اگر میتوانی ایمان آورد هر چیزی بجهت
 ۲۴ مؤمن ممکن است * که در ساعت پدر طفل فریاد نموده گریه
 ۲۵ کنان گفت ای آقا ایمان دارم سستی ایانم را یاری نما * و چون
 عیسی ملاحظه فرمود که گروهی روان می آیند آن روح پلید را نهیب

داده باو فرمود که ای روح گنک کرتورا میگویم که از وی بیرون
 ۲۶ آی و بعد ازین در وی داخل مشو * پس فریاد بر آورده و بسیاری
 مرتعشش نموده از وی بیرون رفت و طفل مانند مرده کشت
 ۲۷ چنانچه بسیاری گفتند که مرده است * لیکن عیسی دست او را
 ۲۸ گرفته بلندش نمود که بر پا ایستاد * و چون بخانه آمد در خفیہ
 شاکردان ازو پرسیدند چونست که ما او را بیرون نتوانستیم نمود
 ۲۹ * آنها را فرمود که این نوع هیچ وجه بیرون نمی شود مگر بدعا و روزه
 ۳۰ * پس از آنجا روانه شده بر جلیل گذشتند لیکن نخواست که
 ۳۱ کسی مطلع گردد * زیرا که شاکردان خود را اعلام فرموده گفت که
 فرزند انسان بدست مرموم تسلیم میشود و او را خواهد کشت
 ۳۲ و بعد از کشته شدن وی در روز سیم خواهد برخاست * و آنها
 این سخن را نفهمیده و پیرسیدین از وی نیز جرأت نمی نمودند
 ۳۳ * پس بکفرنا حوم در آمده و بخانه رفته از آنها سوال نمود که در
 ۳۴ عرض راه در میان خود چه تصور مینمویید * ایشان خاموش ماندند
 از آنجا که در میان راه با یکدیگر گفتگو مینمودند که کدام یک بزرت
 ۳۵ است * پس نشسته و آن دوازده نفر را خوانده و بآنها فرمود که
 اگر کسی خواهش آن دارد که مقدم باشد مؤخر همه و خاتم همه باشد
 ۳۶ * و طفلی را گرفته در میان ایشانش برپا نمود و او را در آغوش کشیده
 ۳۷ بآنها گفت * هر کس که یکی ازین اطفال صغیرا باسم من
 قبول نماید مرا قبول نموده است و هر کس که مرا قبول کرده
 ۳۸ مرا قبول کرده است بلکه آنرا که مرا فرستاده است * پس
 یوحنا ویرا گفت که ای استاد شخصی را دیدیم که دیوارا باسم تو

بیرون می کرد ولیکن مارا متابعت نمی نمود و چون پیروی مانمی
 ۳۹ کرد منعش نمودیم * عیسی فرمود که منعش مکنید زیرا که هیچ کس
 نیست که معجزه را با اسم من بظهور رساند و در ساعت مرا
 ۴۱ سب تواند نمود * زانجا که کسی که بر ما نیست از ماست * زانرو که
 هرگاه کسی شمارا کاسه آبی از برای آشامیدن بجهت اسم من
 بدهد از آنجا که از مسیح هستی بدرستی که بشما میگویم که اجر خود را
 ۴۲ بچپوچ ضایع خواهد نمود * و هر کس که یکی ازین حقیرانرا که معتقد
 منند بلغزانند ویرا بهتر است که سنگ آسیائی در گردن او
 ۴۳ انداخته شود و در دریا افکنده گردد * پس هرگاه که دست تو تورا
 بلغزانند قطعش نما که بجهت تو بهتر است که بیدست داخل
 حیات شوی از آنکه دو دست داشته وارد شوی در جهنم در
 ۴۴ آنشی که خاموشی نپذیرد * جائی که کرم ایشان نمی میرد و آتش
 ۴۵ خاموش نگرود * و هرگاه که پای تو تورا بلغزانند بپوشش که بجهت تو
 بهتر است که لنگ داخل حیات شوی از آنکه دو پا داشته
 ۴۶ افکنده شوی در جهنم در آتشی که خاموشی نپذیرد * آنجا که کرم آنها
 ۴۷ نمی میرد و آتش خاموش نمی گردد * و هرگاه که چشم تو تورا بلغزانند
 بیرونش آر که تورا بهتر است که یک چشم داخل ملکوت خدا
 ۴۸ گردی از آنکه دو چشم داشته در آتس جهنم افکنده شوی * آنجا که
 ۴۹ کرم آنها نمی میرد و آتش خاموش نمیشود * زانرو که هر کس با آتش
 ۵۰ نمکین خواهد شد و هر قربانی بمک نمکین خواهد گردید * بدرستی
 که نمک نیکوست لیکن هرگاه که نمک فاسد شود بچه چیزش
 اصلاح خواهد نمود در خود نمک دارید و با هم صلح نمائید

باب دهم

- ۱ پس از آنجا برخاسته و از آن طرف رود اردن بنواحی یهودیه آمد که
- ۲ دیگر بار جماعتی بروی جمع آمدند و او بر حسب عادت باز بایشان
- ۳ تعلیم می داد * که فریسیان پیش آمده از روی امتحان از وی
- ۴ سؤال نمودند که آیا مرد را طلاق دادن زن جایز است * در
- ۵ جواب بایشان گفت که موسی شما را چه فرموده است * گفتند
- ۶ که موسی بنوشتن طلاق نامه و بیرون نمودن وی حکم داده است
- ۷ * و عیسی در جواب فرمود که بجهت سنگدلی شما این حکم را
- ۸ برای شما نوشته است * لیکن از آغاز آفرینش خدا ایشان را نر
- ۹ و ماده آفریده است * و از آنست که انسان پدر و مادر خود را
- ۱۰ گذاشته بجهت خویش می پیوندد * و ایشان هر دو یک تن
- ۱۱ خواهند بود چنانچه بعد از آن دو نمی باشند بلکه یک جسم اند
- ۱۲ * و ازین جهت آنچه را که خدا پیوند نموده است هیچ کس جدا
- ۱۳ نکند * و نیز شاکردان در خانه ازین مقدمه استفسار نمودند * و آنها را
- ۱۴ فرمود که هر کس که زن خود را طلاق دهد و دیگری را در سلک
- ۱۵ ازدواج کشد نسبت بان زن زنا نموده است * و اگر زنی از
- ۱۶ شوهر خود طلاق گیرد و در نکاح دیگری در آید مرتکب زنا شده
- ۱۷ است * و در آن هنگام طفلی چند را نرد وی آوردند که آنها را
- ۱۸ مس نماید و شاکردانش آورنده کائرا نهیب نمودند * و عیسی ملاحظه
- ۱۹ فرموده او را ناخوش آمد و آنها را فرمود که کوو کائرا اجازت دهید که
- ۲۰ نرد من آیند و ایشانرا نهیب ننمایید زیرا که ملکوت خدا امثال
- ۲۱ ایشانراست * و پدرستی که بشما میگویم که هر کس که ملکوت

- ۱۶ خدا را چون طفلی نپذیرد هرگز در آن داخل نخواهد گشت * پس
 آنها را در آغوش کشید و دست بر آنها نهاده در حق ایشان
 ۱۷ دعا فرمود * و هنگامی که براه میرفت شخصی دویده و پیشش
 برانو درآمده گفت ای استاد خوب چه فعل را نمایم تا وارث
 ۱۸ حیات جاوید کروم * عیسی ویرا فرمود که چرا مرا خوب گفتی و حال
 ۱۹ آنکه هیچ کس خوب نیست جز یکی یعنی خدا * احکام را میدانی
 که زنا مکن قتل مکن زروی مکن شهادت زور مگو فریب
 ۲۰ مده پدر و مادر خود را محترم دار * او در جواب گفت ای استاد
 ۲۱ تمامی این احکام را از ابتدای جوانی محافظت نموده ام * آنگاه
 عیسی بر وی ملتفت شد و بروی رحم نموده گفت که تو را یک
 چیز باقی است برو و هر چه داری بفروش و بفقرا ده که در آسمان
 کنجی خواهی یافت پس بیا و صلیب را برداشته متابعت من
 ۲۲ * لیکن او ازین سخن ترش شده و غمگین روان گردید زانرو که
 ۲۳ اموال بسیار داشت * و عیسی باطراف نگر بسته بشاکردان خود
 گفت که صاحب دولتان چه دشوار داخل ملکوت خدا می گردند
 ۲۴ * و شاکردان از سخن او متحیر گشتند که عیسی باز التفات فرموده
 بایشان گفت ای فرزندان من چه دشوار است داخل ملکوت
 ۲۵ خدا گردیدن آنانی را که اعتماد بر اسباب و نیویست * بتحقیق که
 شتر را از سوراخ سوزن گذشتن اسهل است از آنکه دولت مند
 ۲۶ داخل ملکوت خدا گردد * که ایشان بغایت متحیر گشته بایکدیگر
 ۲۷ گفتند پس کیست که ناجی تواند بود * عیسی بر آنها نظر افکنده
 فرمود که نزد انسان محالست لیکن پیش خدا نیست زیرا که

- ۲۸ جمیع چیزها نزد خدا ممکن است * آنگاه پطرس آغاز نموده گفت
- ۲۹ اینک ما همرا ترک نموده تورا متابعت نمودیم * عیسی در جواب فرمود بدرستی که بشما میگویم هیچکس نیست که خانه یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا اولاد یا املک را بجهت من
- ۳۰ و بجهت انجیل ترک نموده باشد * جز آنکه صد چندان از خاتما و برادران و خواهران و مادران و فرزندان و ملکهها اکنون با عقوبات
- ۳۱ و در جهان آینده حیات ابدی را یابد * و بسا اولی که آخر کرد و
- ۳۲ و آخری که اول * و در اثنای راه که بسوی اورشلیم میرفتند و عیسی پیش روی آنها میرفت متحیر گشتند و در حالی که پیروی او مینمودند خایف گردیدند پس آن دوازده نفر را بکناره بروه بخبر دادن بانها
- ۳۳ از آنچه بروی وارد شدنی بود شروع نمود * که اینک بسوی اورشلیم میرویم و فرزندان انسان بر تو ساسی کهنه و نویسندهگان تسلیم کرده خواهد شد و ایشان حکم بقتل وی خواهند نمود و بدست قبایلش خواهند
- ۳۴ سپرد * و آنها بروی استهزا خواهند کرد و او را خواهند زد و آب و هن بر او خواهند افکند و او را خواهند کشت و در روز سیم خواهد بر
- ۳۵ خاست * پس یعقوب و یوحنا فرزندان زبدي نزد وی آمده گفتند ای استاد استعدا داریم که آنچه از تو سوال نمایم بجهت ما بعمل
- ۳۶ آری * ایشانرا فرمود چه خواهش دارید که بجهت شما بعمل آرم
- ۳۷ * گفتند ما عطا فرما اینکه در عالم جلال تو یکی بر راست و دیگری
- ۳۸ بر چپ تو بنشینیم * که عیسی ایشانرا فرمود که نمیدانید که چه خواهش مینمائید آیا که استعدا و نوشیدن از آن ساغر که مینوشم
- ۳۹ و غسل نمودن از آن غسلی که من مغسول میشوم دارید * گفتند

بلی استطاعت داریم پس عیسی بایشان گفت که البته از آن
 ساغری که من مینوشم خواهید نوشید و از آن غسلی که من مغسول
 ۲۰ میشوم غسل خواهید یافت * لیکن نشستن بر راست و چپ
 من زان من نیست که بدهم مگر آنان را که بجهت آنها مهیا
 ۲۱ شده است * و آن ده شاگرد این را شنیده از یعقوب و یوحنا
 ۲۲ خشم گرفتند * پس عیسی آنها را خوانده گفت مطلع میباشید که
 بزرگان قبایل بر ایشان تحکم مینمایند و مشایخ بر آنها سلطنت
 ۲۳ میرانند * لیکن در میان شما چنین نباشد بلکه هر که خواهش
 ۲۴ وارد که در میان شما بزرگ گردد خادم شما گردد * و هر که خواهش
 ۲۵ وارد که در میان شما مقدم گردد ملازم همه گردد * زیرا که فرزند
 انسان نیز بجهت مخدوم گردیدن نیامده است بلکه بجهت
 خادم بودن و تا آنکه نفس خوورا بجهت فدای بسیاری بذل نماید
 ۲۶ * پس به یرجا آمدند و هنگامی که از یرجا با شاگردان خود و گروه
 بسیاری از مردم بیرون میرفت بر طیمسی کور فرزند طیمسی بر طرف
 ۲۷ راه بجهت سؤال نشسته بود * و چون شنید که عیسای ناصر پست
 شروع بفریاد نموده گفت که ای عیسی ابن داود بر من ترحم فرما
 ۲۸ * و بسیاری از خلق او را تهدید نمودند که خاموش گردد که او بسیار
 ۲۹ زیاده بر آن فریاد نموده گفت ای فرزند داود بر من ترحم فرما * که
 عیسی ایستاده فرمود که بخوانیدش و ایشان آن کور را آواز نموده
 ۵۰ گفتند خاطر جمع دار و بر خیز که تو را طلب مینماید * و او عبا سی خوورا
 ۵۱ نهاده برخاسته نرو عیسی آمد * و عیسی بومی توجه فرموده گفت چه
 خواهش داری که بجهت تو بعمل آرم آن کور گفت ربی همین

۵۲ که بینائی خود را بیایم * و عیسی او را فرمود که برو که اعتقاد تو تو را نجات داده است او در هماندم بینا گشته و در راه در پی عیسی روان گردید

باب یازدهم

- ۱ چون به بیت فاکی و بیت عنیا بر کوه زیتون بنزدیکی اورشلیم
- ۲ آمدند از شاکردان خود دو نفر را روانه فرمود * و ایشانرا گفت که باین قریه که مواج شامست رفته و در ساعت که داخل آن میشوید خواهید یافت کوزه را بسته که همپس بر آن سوار نشده است
- ۳ پس باز کرده بیاریدش * و هرگاه که کسی شمارا گوید که چرا چنین میکنید بگوئید که خداوند بآن احتیاج دارد که در ساعت او را باینجا خواهد فرستاد * و ایشان رفته آن کوزه را بر سر دوراه در بیرون
- ۴ در بسته یافتند پس آنرا کشاوند * و بعضی از آنان که در آنجا ایستاده بودند ایشانرا گفتند که این کوزه را باز مینمائید چه کنید * و آنها چنانکه
- ۵ عیسی فرموده بود گفتند که ایشان آنها را نموند * پس آن کوزه را نرو عیسی آورده لباس خویش را بر آن نهادند و او بر آن سوار
- ۶ شده * و خلق بسیاری لباس خود را در راه کسترانیده و بعضی
- ۷ شاخی چند از درختان بریده در راه فرش نمودند * و آنانکه پیش
- ۸ و عقب میرفتند فریاد نمودند میگفتند هوشعنا مبارک باد آن کسی
- ۹ که باسم خداوند می آید * و مبارک باد ملکوت پدر ما داود که بنام
- ۱۰ آن خداوند می آید هوشعنا در عالم اعلی * و عیسی در اورشلیم
- ۱۱ و هیکل داخل گشته باطراف جمیع چیزها نظر نموده از آنجا که شام
- ۱۲ گشته بود بآن دوازده شاکرد به بیت عنیا رفت * و در روز دیگر

- ۱۳ هنگامی که از بیت عنیا می آمدند کرسنه بود * که درخت اخییر
سبزیرا از دور مشاهده نموده آمد که شاید چیزی بر آن یابد و چون
نزویک رسید جز برک چیزی نیافت زانرو که موسم اخییر نبود
۱۴ * پس عیسی توجه فرموده بآن گفت که بعد ازین تا باید هیچکس
۱۵ از تو میوه نخورد و شما کردان این سخن را شنیدند * پس باورشلیم
آمدند و عیسی در هیکل داخل گردیده شروع به بیرون کردن آنان
که در هیکل خرید و فروخت می نمودند و تختهای صرافان
۱۶ و کرسیهای کبوتر فروشانرا و از کون ساخت * و هیچکس را اجازت
۱۷ نمیداد که ظرفی را از میان هیکل بیرون برد * و آنها را تعلیم داده
میفرمود که آیا نوشته نشده است که خانه من به بیت التعمه تمامی
قبایل نامیده خواهد شد و شما آنرا مغاره و زردان ساخته اید
۱۸ * و نویسندگان و رؤسای کهنه آنقدر را شنیده در جستجو می بوزند
که او را بچه بهانه هلاک سازند که از وی مخوف بوزند از آنجا که
۱۹ تمامی مردم از تعلیمش متحیر میبوزند * و چرن شام گردید از شهر
۲۰ بیرون رفته * و صبح هنگام گذشتن ایشان از آنراه آن درخت
۲۱ اخییر را از بیخ خشک یافتند * که پطرس متذکر گردیده و پراگفت
که رتی اینک درخت اخییری که نفرینش نمودی خشک گردیده
۲۲ است * عیسی در جواب ایشان فرموده که بخدا ایمان دارید
۲۳ * بدرستی که بشما میگویم هر کس که باین کوه بگوید بر خاسته در دریا
افکنده شو و در دل خود شک ندارد بلکه اعتقاد داشته باشد که
۲۴ آنچه میگوید واقع میگرد هر چه گوید بجهت وی خواهد شد * و نیز
شمارا میگویم که هر چه را در اثنای دعا طلب نمائید اعتقاد دارید که

۲۵ آنرا خواهید یافت که بجهت شما واقع خواهد گشت * و هنگامی که بدعا نمودن بایستید اگر از کسی شکایتی وارید عفو نمائید تا آنکه پدر شما که در آسمانست نیز خطای شما را بجهت شما بیامرزد
 ۲۶ * و هرگاه که بخشید پدر شما که در آسمانست نیز کنایان شما را نخواهد بخشید * و باز باورشلیم آمدند و در حین خرامیدن او در
 ۲۸ هیکل رؤسای کهنه و نویسنده کان و مشایخ نزد وی آمده * و پرا گفتند که بچه اقتدار این کار را میثائی و کیست که این قدرت را
 ۲۹ بتو داده است که این کار را میثائی * عیسی در جواب ایشان فرمود من نیز از شما یک سؤال دارم مرا جواب دهید که من
 ۳۰ نیز شما را خواهم گفت که بچه اقتدار این کار را میکنم * آیا غسل تعمید یحیی از آسمان بود یا از خلق مرا جواب دهید * و ایشان با
 خود اندیشیده گفتند اگر کوئیم از آسمانست خواهد گفت چرا
 ۳۲ ایمان نیاوردید باو * و اگر کوئیم از خلق است از مردم خایف
 ۳۳ هستیم از آنجا که یحیی را همه پیغمبر بحق میدانستند * پس عیسی را در جواب گفتند که نمی دانیم عیسی نیز بایشان جواب داده گفت
 که من نیز نمی گویم که این کار را بچه اقتدار میثایم

باب دوازدهم

۱ پس در مثال با آنها شروع بتکلم نموده فرمود که شخصی تاکستانی را فرس نمود و اطراف آنرا محصور کرده و شیره خانه کنده و منظری
 ۲ عمارت نموده بیابانانش سپروه روانه مملکت دیگر گشت * و در موسم ملازمی را نزد آن کارکنان فرستاده که چیزی از میوه
 ۳ تاکستان از آن کارکنان یابد * و ایشان او را گرفته زود دزدی

- ۴ دست بر گردانیدندش * که باز ملازم دیگری را نزد ایشان فرستاده
 که سنگ بروی افکنده سرش را شکستند و خفیفش نموده بر
 ۵ گردانیدندش * و دیگر بار دیگر را روانه نموده که ایشان کشتندش
 ۶ و بسیاری دیگر را که ایشان بعضی را زود و بعضی را کشتند * و فرزندی
 باقی داشت که محبوب وی بود عاقبت او را نیز نزد ایشان
 ۷ فرستاده گفت یقین که از فرزند من خجل خواهد کشت * لیک
 آن باغبانان با خود گفتند که اینست وارث بیاید تا او را بکشیم
 ۸ که میراث از ما کرد * پس او را گرفته کشتند و در خارج تاکستان
 ۹ افکندند * آیا صاحب تاکستان را چه خواهد کرد بلی خواهد آمد
 ۱۰ و باغبانان را هلاک خواهد نمود تاکستان را بدیگران خواهد سپرد * آیا
 این نوشترا مطالعه نموده اید که سنگی را که بنایانش حقیر نمودند
 ۱۱ بر سر زاویه واقع شد * از جانب خداوند ایتمقدمه واقع گردید و در
 ۱۲ نظر ما عجیب است * و ایشان اراده گرفتن وی کردند از آنجا که
 چنین وانستند که این مثل را بجهت آنها زد لیکن از خلق
 ۱۳ ترسیده او را گذاشته رفتند * و تنی چند از فریسیان و هیرودیان را
 ۱۴ نزد وی فرستادند که گاه هست در تکلمش بدام آرند * و آنها آمده
 گفتند ای استاد ما را یقین است که راست کوئی و از هیچکس
 نمی اندیشی زیرا که در ظاهر خلق نمی نگریم بلکه راه خدا را بر راستی
 تعلیم مینائی آیا که جزیه وادن بقیصر جایز است یا نه بدیم یا نه
 ۱۵ * و او نیرنگ آنها را یافته گفت از چه رو مرا امتحان مینمائید
 ۱۶ و بیماری را نزد من آرید تا ملاحظه نمایم * پس ایشان آوردند و او
 ایشانرا گفت که این تصویر و خط زان کیست گفتند از قیصر

- ۱۷ * پس عیسی در جواب ایشان گفت که چیزهای قیصر پیرا بقیصر
 ۱۸ دهید و چیزهای خدائی را بخدا و ایشان از وی تعجب نمودند * آنگاه
 ۱۹ صدوقیان که منکر قیامتند نزد وی آمده سؤال نمودند گفتند * ای
 استاد موسی بجهت ما نوشته است که اگر شخصی بمیرد زنی را
 باز ندارد و فرزندى از او نماند برادر وی زنش را گرفته نسلی بجهت
 ۲۰ برادر خود جاری سازد * و بوزند هفت برادر که نخستین آنها زنی
 ۲۱ گرفته و مرد و از وی نسلی نماند * و دومی او را گرفته و مرد و او نیز هیچ
 ۲۲ اولاد نکذاشت و هم چنین سیمى * و چهارمین پنج آن هفت نفر
 او را گرفته و هیچ اولاد نکذاشتند و بعد از همه آن ضعیفه نیر فوت
 ۲۳ کردید * پس آن زن در روز قیامت هنگامیکه بر میخیزند زن
 کدام یک از آنها خواهد بود زانجا که آن هفت نفر او را بزنی
 ۲۴ گرفته بودند * عیسی ایشانرا در جواب فرمود که آیا کمراه نیستید
 ۲۵ زانرو که نه نوشتنها و نه قدرت خدا را درک مینمائید * چه هنگام
 بر خاستن مردهگان نه نکاح میکنند و نه نکاح کرده میشوند بلکه چون
 ۲۶ ملائکه در آسمان هستند * و آیا بخصوص مردهگان و بر خاستن
 ایشان در صحیفه موسی مطالعه نکرده اید که چگونه خدا در بوثه با وی
 تکلم فرمود که منم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب
 ۲۷ * و بتحقیق که او خدای مردهگان نیست بلکه خدای زندهگانست
 ۲۸ پس شما بسیار خبط نمودید * و یکی از نویسندگان که مباحثه
 ایشانرا شنید یافت که آنها را جواب صحیح داد پس آمده از
 ۲۹ وی سؤال نمود که سر همه احکام کدامست * عیسی در جواب
 وی فرمود سر همه احکام اینست ای اسرائیل بشنو خداوندی که

- ۳۰ خدای ماست یک خداوند است * پس آخداوند را که خدای
تست بهمکی دل خور و بهمکی جان خور و بهمکی خیال خور و بهمکی
۳۱ توانائی خور ووست وار حکم نخستین اینست * و حکیم رویم که مثل
آنست اینست که آشنای خورا چون خور ووست وار
۳۲ و بر کتر از اینها فرمانی ویکر نیست * پس آن نویسنده ویرا
گفت خوبست ای استاد سخن حقی گفتی زیرا که یک خداست
۳۳ و جز او ویکری نیست * و اینکه اورا بهمکی دل و بهمکی فهم و بهمکی
جان و بهمکی توانائی ووست داشتن و آشنای خورا چون خور
ووست داشتن از بهمکی قربانیهای تمام سوخته وهدیهها افضل
۳۴ است * و عیسی در او نکر نیست که عاقلانه جواب داده ویرا
گفت که از ملکوت خدا دور نیستی و بعد از آن همچکس جرأت
۳۵ پرسیدن از وی نمود * و عیسی در هیکل در اثنای تعلیم نمودن
توجه نموده فرمود که چگونه نویسنده کان میگویند که مسیح فرزند داود
۳۶ است * با وجود آنکه خور داود بوساطت روح القدس گفته است
بدرستیکه خداوند بخداوند من گفته است که بنشین بروست
۳۷ راست من تا دشمنان تورا در محل اقامت کنارم * و چون
داود خور اورا خداوند خوانده است چه سان او فرزند وی باشد
۳۸ و عوام الناس سخنش را بخوشنوی می شنیدند * و در وعظ خور
گفت آنها را از نویسنده کان احتیاط کنید که ایشان راه رفتن را
۳۹ در لباس بلند و سلام را در بازارها ووست میدارند * و در مجامع
۴۰ صدر امکانرا و در ضیافتها جایهائی اعلی را * اینان که خانهای
بیوه زنانرا می بلعند و غار را بریا طول میدهند عقوبت عظیمی

۴۱ خواهد یافت * وعیسی در مقابل بیت المال نشسته خلق را
 ملاحظه مینمود که بچه وضع درم را در خزینه می انداختند و گروهی از
 ۴۲ توانگران بسیار می انداختند * که بیوه زن مسکینی آمده دو فلس را
 ۴۳ که مبلغ یک شاهی باشد انداخت * پس شاکردان خور را نرو
 خود خوانده گفت بدرستیکه بشما میگویم که این بیوه زن مسکین زیاده
 ۴۴ تر از همگی آنها که در خزینه انداختند انداخت * زانرو که تمامی آنها
 از زیادتی خود افکندند و این ضعیفه از فقر خود جمیع آنچه داشت
 یعنی تمام معیشت خور را افکند

باب سیزدهم

۱ در حین بیرون رفتن وی از هیکل یکی از شاکردانش او را گفت
 ای استاد ملاحظه فرما که چه نوع سنگها و چه نوع عمارتهاست
 ۲ * عیسی ویرا جواب داده گفت این عمارات رفیع را که می بینی
 بدرستیکه هیچ سنگی بر سنگی گذاشته نمی شود مگر آنکه افتاده خواهد
 ۳ شد * چون بر کوه زیتون مقابل هیکل بنشست پطرس و یعقوب
 ۴ ویوحنا و اندریاس در خفا از وی سؤال نمودند * که ما را مطلع ساز که
 کسی این چیزها واقع خواهد گشت و چیست علامت هنگامی که
 ۵ جمیع این چیزها خواهد بسر آمد * پس عیسی در جواب آنها شروع
 ۶ نموده فرمود که با خذر باشید که کسی شمارا کمراه نماید * زیرا که
 بسیاری با سم من آمده خواهد گفت که من هستم و بسیاری را
 ۷ کمراه خواهد نمود * و چون رزمها و اخبار جنگها را بشنوید مضطرب
 مشوید زیرا که وقوع آن چیزها ضروریست اما انجام کار هنوز نرسیده
 ۸ است * که قبیله بر قبیله و مملکتی بر مملکتی خواهد برخاست

- ۹ وور بعضی از امکنه زلزله واقع خواهد کشت و قحط و اضطراب
 پدید خواهد آمد و این چیزها اول در زائیدنست * لیکن شما از
 برای خود احتیاط نمائید زانرو که شمارا در شورا و محفل با خواهد
 کشید وزوه خواهید شد و در نزد بررکان و سلاطین بجهت خاطر
 ۱۰ من حاضر خواهید کشت تا شهادتی باشد بر آنها * نخست
 ۱۱ اعلام باحییل در تمام قبایل ضروریست * و چون شمارا پیش
 انداخته تسلیم نمایند میندیشید که چه خواهید گفت و متفکر مباحثید
 بلکه آنچه در آنساعت بشما داده میشود همانرا بگوئید زانجا که شما
 ۱۲ نیستید که سخن میگوئید بلکه روح القدس است * آنگاه برادر
 برادر را بهلاکت خواهد داد و پدر پسر را و فرزندان بر والدین خود
 ۱۳ خواهد برخاست و ایشانرا بقتل خواهد رسانید * و بجهت اسم
 من تمامی خلق شمارا دشمن خواهد داشت لیکن آنکه تا انجام
 ۱۴ کار صبر نماید نجات خواهد یافت * و هرگاه که کراهت قرین
 ویرانی را که وانیال رسول گفته است در جائی که نمی بایست
 ایستاد بنگرید هر آئینه هر کس که میخواند بداند آنگاه آنان که در
 ۱۵ بهوتیه اند بکوهستان فرار نمایند * و آنکه بر بام خانه است پائین
 نیاید بخانه خود و بجهت بر داشتن چیزی از خانه خود داخل
 ۱۶ نکرود * و آنکه در زراعت است بجهت بر داشتن لباس خود
 ۱۷ باز نکرود * لیکن وای بر احوال آبستنان و شیر رنده گان در
 ۱۹ آن ایام * و دعا کنید که فرار شما در زمستان واقع نکرود * زیرا که
 چنان زحمتی در آن ایام واقع خواهد کشت که از آغاز آفرینش
 که خدا خلق نموده است تا این زمان نبوده است و خواهد بود

- ۲۰ * واکر خداوند آنروز را کوتاه نموده هیچ بشری نجات نمی یافت
 لیکن بجهت خاطر برگزیده گانی که خود برگزیده است آن ایام را
- ۲۱ کوتاه ساخت * پس در آنوقت اگر کسی شمارا کوید که اینک
- ۲۲ مسیح در اینجا است یا در آنجا است باور مکنید * زانرو که مسیحان
 کاذب و پیغمبران کاذب خواهند برخاست و چیزهای عجیب
 و غریب نشان خواهند داد که اگر ممکن می بود برگزیده گانرا هم
- ۲۳ کمراه می نمودند * لیکن شما احتیاط نمائید که الحال همه چیزها را قبل
 از وقوع بشما گفته ام * دور آنروز با بعد از آن زحمت خورشید
- ۲۴ تاریک خواهد شد و ماه نور خور را باز خواهد گرفت * و ستارهای
 آسمان خواهند افتاد و قوتهای فلکی مضطرب خواهد گردید * آنگاه
- فرزند انسانرا در ابر بقوت عظیم و جلال خواهد دید که می آید
- ۲۷ * پس ملائکه خور را خواهد فرستاد که برگزیده گان خویش را از
 باوایی اربعه از اقصای زمین تا باقصای آسمان خواهند فراهم
- ۲۸ آورد * الحال مثلثی از درخت انجیر بیاموزید که هنگامی که شاخه های
 نازک آن نمو مینماید و برگ میرویند فصل تابستانرا نزدیک
- ۲۹ میدانید * شما هم باین نهج چون این چیزها را واقع بینید بدانید که
- ۳۰ نزدیک است بلکه برور است * بدرستی که شما میگویم که تا تمامی
 این چیزها واقع نکرود این طبقه منقرض نخواهد گشت * آسمان
- وزمین زایل خواهد گشت و سخن من زایل نخواهد گردید
- ۳۲ * و بر حقیقت آنروز و آنساعت سوای پدر نه ملائکه آسمان و نه
- ۳۳ فرزند هیچ کس مطلع نیست * احتیاط نمائید که باخذر باشید و دعا
- ۳۴ نمائید زیرا که از هنگام رسیدن آنزمان مطلع نیستید * چنانچه

شخصی بسفر بعیدی رفته خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را
 قدرت داده و هر کس را بشغل خاص مقرر فرموده و در برابر
 ۳۵ بیدار بودن امر فرمود * پس بیدار باشید از آنجا که نمیدانید که
 بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد در شام یا نصف شب یا وقت
 ۳۶ بانک خروس یا صبح * مبادا که ناگاه آمده شمارا در خواب یابد
 ۳۷ * آنچه من بشما میگویم همه میگویم بیدار باشید

باب چهاردهم

۱ و بعد از دو روز عید فصیح و فطیر رسیده بزرگان کهنه و نویسنده گان
 در جستجو می بوزند که چگونه اش بمکر و ستگیری کرده بقتل رسانند
 ۲ * لیکن میگفتند در عید مبادا که در میان خلق شورش پدید آید
 ۳ * و در حین که در بیت عنیا در خانه شمعون ابرص بجهت
 تناول نشسته می بود ضعیف با حقه پراز عطر سنبل خالص کران
 ۴ بها آمده و آن حقه را شکسته بر سر وی برنجت * و بعضی بوزند
 که در خود غضب آلود کشته گفتند چرا این عطر چنین تلف کردید
 ۵ * چه ممکن بود که برباره از سیصد دینار فروخته شده یفقر او
 ۶ میشد و از آن ضعیف اعراض نمودند * که عیسی فرمود او را بگذارید
 بجهت او را مکتوم میثائید که با من کاری نیکو نموده است
 ۷ * که فقرا را همیشه با خود دارید و هر گاه که خواهید ایشانرا احسان
 ۸ میتوانید نمود لیکن مرا همیشه با خود دارید * و او آنچه قدرت
 داشت بعمل آورد زیرا که سبقت جسته بدغم را بجهت و فن
 ۹ معطر نموده است * و بدرستی که بشما میگویم در تمام عالم هر جا که
 باین مژده ندا خواهد شد آنچه این ضعیف بعمل آورد بجهت

- ۱۰ یاد کاری وی گفته خواهد شد * پس بهر دای اسکریوطی یکی از آن دوازده نفر بود نژاد بررکان کهنه رفت تا آنکه او را بایشان
- ۱۱ سپارو * و آنها این مقدمه را شنیده خوشنود کرده و عده دادن درم نمودند و او در جستجو بود که چگونه او را در وقت مناسبی تسلیم
- ۱۲ نماید * و در روز اول عید فطیر هنگامی که فصح را زبح می نمودند شاکردان او گفتندش کجا اراده داری تا برویم و آماده نائیم فصح را
- ۱۳ که تناول نمائی * پس دو شخص از شاکردان خود را فرستاده بآنها فرمود که باین شهر بروید و مردی که سبوی آبی را بر داشته
- ۱۴ است بشما دو چار خواهد شد از عقب وی بروید * و در هر خانه که او داخل شود بصاحب خانه بگوئید استاد میگوید که اوطاق
- ۱۵ کجاست تا فصح را با شاکردان خود در آنجا صرف نمائیم * و او ایوان وسیع مفروشی و آماده شده را بشما نشان خواهد داد و در
- ۱۶ آنجا بجهت ما مهیا سازید * و شاکردان او بیرون رفته در شهر
- ۱۷ آمده چنانچه بآنها گفته بود یافته فصح را آماده نمودند * و چون شام
- ۱۸ کشت با آن دوازده نفر آمد * و هنگامی که ایشان نشسته به تناول طعام مشغول گشتند عیسی فرمود بدرستی که بشما میگویم
- ۱۹ یکی از شما که با من اکل می نماید مرا تسلیم خواهد نمود * پس آنها غمناک شده و یک یک از وی سؤال نمودن آغاز کردند که آیا
- ۲۰ من هستم و دیگری که آیا من هستم * در جواب آنها فرمود یکی از این دوازده است که دست خود را با من در قاب فرو
- ۲۱ می نماید * بدرستی که فرزند انسان بنهجی که بجهت وی توشه شده است می رود لیکن وای بر آنکس که فرزند انسان بوساطت

- وی تسلیم شوو بجهت آن شخص بهتر میبود اگر هرگز موجود
 ۲۲ نمیکرید * و در حالتی که تناول می نمودند عیسی نانی را گرفته و برکت
 داده پاره پاره نمود و با ایشان داده گفت بگیری و بخورید که این
 ۲۳ جسم منست * پس جامی را گرفته و شکر بجا آورده با آنها داد و همه
 ۲۴ از آن آشامیدند * و ایشانرا فرمود که این خون منست یعنی
 ۲۵ خون پیمان تازه که بجهت بسیاری ریخته میشود * و بدرستی که
 بشما میگویم که من بعد از دختر رز خواهم نوشید تا آنروز که در
 ۲۶ ملکوت خدا تازه اش را بنوشم * و پس از سرود تسبیحات بسوی
 ۲۷ کوه زیتون بیرون رفتند * آنگاه عیسی ایشانرا گفت که شما همه
 درین شب نسبت بمن لغزش خواهید یافت از آنجا که نوشته
 شده است که شبانرا خواهم زد و کوسفندان پراکنده خواهند کرد
 ۲۸ * لیکن بعد از برخاستن من پیش از شما بناحیه جلیل خواهم
 ۲۹ رفت * پطرس بوی گفت که اگر همه لغزش یابند من نخواهم
 ۳۰ یافت * عیسی ویرا فرمود بدرستی که بتو میگویم که درین روز
 بلکه درین شب قبل از آنکه خروس دو بار بانگ زند تو سه
 ۳۱ بار مرا انکار خواهی نمود * او بیشتر مبالغه نموده گفت اگر چه مرگ
 من هم با تو ضرور شوو هرگز نت انکار نخواهم کرد و تمامی آنها نیز
 ۳۲ چنین گفتند * پس بمکانی که بکشمان مسمی بود آمدند و شاکردان
 ۳۳ خورا فرمود که در اینجا بنشینید تا دعا کنیم * و پطرس و یعقوب و یو
 حنارا با خود برواشته شروع بمتغیر کشتن و بیهوش شدن نمود
 ۳۴ * پس با ایشان فرمود که نفس من تا بمرگ محزونست در اینجا
 ۳۵ درنگ نموده بیدار باشید * پس اندکی پیش رفته بر زمین افتاد و

- ۳۶ و عا نمود که اگر ممکن باشد آنساعت از وی در گذرد و گفت * ابا پدرا
 تمامی چیزها نرد تو ممکن است این ساغر را از من بگردان لیکن نه
 ۳۷ چنانچه من خواهم بلکه چنانچه تو میخواهی * پس آمده ایشانرا در
 خواب یافت پطرس را فرمود اسی شمعون میخواهی آیا که بالقوه
 ۳۸ پاسبانی یکساعت نداشتی * بیدار باشید و عا نمائید تا در تجربه
 گرفتار نشوید بدرستی که روح مهبیاست لیکن جسم ضعیف است
 ۳۹ * و باز رفته و عا نمود و بهمان کلمات تکلم نمود * و برگشته ایشانرا باز
 خوابیده یافت زانرو که چشمان ایشان خواب آلوده بود و نمیدانستند
 ۴۰ که او را چه جواب دهند * پس مرتبه سیم آمد و ایشانرا گفت
 اکنون باقی وقت را بخوابید و آرام نمائید بس است که آنساعت
 رسیده است که فرزند انسان در دستهای کنه کاران تسلیم گردد
 ۴۱ * بر خیزید تا برویم اینست آنکس که مرا تسلیم مینماید نزدیک
 ۴۲ است * که در ساعت در اثنای تکلم وی پهودا که یکی از آن
 دوازده نفر بود آمد و جماعت بسیاری با شمشیرها و چوب دستیهما از
 ۴۳ جانب رؤسای کهنه و نویسنده کان و مشایخ با وی بودند * و آنکه او را
 تسلیم نمود نشانه بایشان داده بود که هر کس را که بیوسم همانست
 ۴۴ بگیری پیش و سلامت ببری * و بمحضر رسیدن نرد وی رفته گفت
 ۴۵ رتی رتی و او را بوسید * پس آنها دستهای خورا بروی انداخته
 ۴۶ گرفتندش * پس از آنان که نزدیک ایستاده بودند یک نفر شمشیر
 ۴۷ کشیده زد بملازم بزرگ کهنه و کوش او را قطع نمود * پس عیسی
 ۴۸ بانها توجه فرموده گفت که بجهت گرفتن من چون بجهت دزد
 ۴۹ با شمشیرها و چوب دستیهما بیرون آمدید * و حال آنکه هر روز در

- هیكل وعظ کنان با شما میبودم و مرا نکر فتید لیکن بایست که
 ۵۱ نوشتنها کامل کردو * وهمکی اورا گذاشته فرار نمودند * مکر یک جوانی که
 پاره کتانی بر بدن برهنه افکنده بعقب وی روان کردید و جوانان اورا
 ۵۲ گرفتند * که آن پارچه کتانرا هم انداخته برهنه از ایشان فرار نمود
 ۵۳ * پس عیسی را نزد رئیس کهنه برزدند و همکی بررکان کهنه و مشایخ
 ۵۴ و نویسنده کان نرو وی جمع بوزند * و پطرس از دور تاور خانه رئیس
 کهنه از پی اوروان کشته و با سرهنکان نشسته باتش کرم میشد
 ۵۵ * و بررکان کهنه و جمیع اهل شوری در جستجوی شهادتی بر عیسی
 ۵۶ میبوزند تا آنکه اورا هلاک نمایند لیکن نمی یافتند * هر چند بسیاری
 ۵۷ شهادت دروغ در باره وی دادند لیکن شهادتها متفق نبود * پس
 ۵۸ چند نفر فریاد شهادت دروغی در باره وی داده گفتند * که ما از
 وی شنیدیم که میگفت من این هیكل را که بدست ساخته شده
 است خراب خواهم نمود و در سه روز دیگر ارا که بدست مهیا شده
 ۵۹ است عمارت خواهم نمود * و با وجود این شهادت ایشان متفق
 ۶۰ نبودند * پس رئیس کهنه در میان ایستاده از عیسی پرسیده گفت
 که هیچ جواب نمیدهی که این خلق بر تو چه سان گواهی میدهند
 ۶۱ * و او خاموش مانده هیچ جواب نمیداد که باز رئیس کهنه از وی
 ۶۲ سؤال نمود و گفت آیا توئی مسیح فرزند آنکه متبرک است * عیسی
 گفت آری منم و فرزند انسان را بر عین اقتدار نشسته و ابرامی
 ۶۳ آسمان خواهید دید که می آید * آنگاه رئیس کهنه لباس خود را چاک
 ۶۴ زده گفت و بیکر ما را چه احتیاج بگواهیست * کفر را شنیدید الحال چه
 ۶۵ خیال دارید که تمامی آنها فتوای استحقاق قتل ویرا دادند * و بعضی

شروع نموده آب دهن بر وی افکنند و رویش را پوشانیند و او را
 ۶۶ مشت زره گفتندی اخبار نما و سرهنگانش سیلی میزنند * و هنگامی
 که پطرس در ایوان پایین میبود یکی از کنیزان رئیس کهنه آمده
 ۶۷ * چون پطرس را دید که خوراک کرم میخورد در او نگریسته گفت تو
 ۶۸ نیز با عیسای ناصری یومی * لیکن او انکار نموده گفت من نمیدانم
 و نمی یانم که چه میگوئی و بسوی کریاس بیرون رفت که خروس
 ۶۹ بانک زد * و کنیز باز او را دیده بانان که در آنجا ایستاده بودند آغاز
 ۷۰ سخن نموده که این شخص از آنهاست * او باز انکار نمود و پس از
 اندکی کسانیکه ایستاده بودند باز پطرس را گفتند به تحقیق که تو از
 ۷۱ آنها میباشی زانجا که جلیلی هستی و لهجه تو قرینه است * و او
 شروع یلعن و سوگند نموده که من این مرد را که در باره او سخن
 ۷۲ میگوئید نمی شناسم * که دیگر بار خروس بانک زد و پطرس آن
 سخن را که عیسی بومی فرموده بود که قبل از آنکه خروس دو بار
 بانک زند سه بار انکارم خواهی نمود یاد آورد و زار زار بگریست

باب پانزدهم

۱ بمحرو صبح شدن رؤسای کهنه با مشایخ و نویسندگان و همه اهل
 شوری مشورت کردند و عیسی را بسته برده به پیلطس تسلیم
 ۲ نمودند * پس پیلطس از وی سؤال نمود که آیا پادشاه بهر توئی
 ۳ ویرا جواب داد که تو خود میگوئی * و رؤسای کهنه ادعای بسیاری
 ۴ بر او نمودند هیچ جواب نداد * که باز پیلطس ویرا سوال نموده
 گفت هیچ جواب نمیدهی بنکر که بچه مقدار چیزها بر تو کواهی میدهد
 ۵ * که با وجود این عیسی هیچ پاسخ نداد چنانچه پیلطس تعجب نمود

- ۶ * وقاعدۀ وی این بود که در هر عید یک زندانی را که ایشان خواهش
- ۷ کنند بجهت آنها آزاد مینمود * و بود برتاس نامی که با هم مفتنان
- ۸ خود که در فتنه قتل نموده بودند بسته شده بود * که آنکروه فریاد بر آغاز
- ۹ خواستن آنچه همیشه با ایشان سلوک مینمود نمودند * پیلطس آنها را
- ۱۰ گفت آیا میخواهید که پادشاه بپور را بجهت شما مرخص نمایم * زانجا
- ۱۱ که یافته بود که رؤسای کهنه از حسد او را تسلیم نمودند * لیکن رؤسای
- کهنه مردم را اغوا مینمودند که بلکه برتاس را بجهت ایشان مستخلص
- ۱۲ نماید * که پیلطس باز با ایشان در جواب گفت که پس چه اراده
- ۱۳ دارید تا با اینکه پادشاه بپورش مینخوانید بعمل آرم * باز فریاد نمودند
- ۱۴ که او را مصلوب ساز * آنگاه پیلطس با ایشان گفت که چه بد کرده
- ۱۵ است اما آنها زیاد از پیش فریاد نمودند که او را صلب نما * پیلطس
- چون خواست که آن قوم را خوشنود نماید برتاس را آزاد
- نموده و عیسی را تازیانه زده بجهت صلب کردنش تسلیم نمود
- ۱۶ * و سپاهیاننش در پریطریون یعنی دیوان خانه برده و جمیع سپاه را
- ۱۷ فراهم آوردند * پس او را جامه سرخی پوشانیدند و تاج خاری بافته بر
- ۱۸ سرش گذاشتند * و بجهت او شروع بسلام نمودند گفتندی السلام ای
- ۱۹ پادشاه بپور * پس نشی بر سرش زدند و آب و هن بر او انداخته و برانو
- ۲۰ در آمده او را سجود مینمودند * و چون او را استهزا نمودند جامه سرخ را از
- وی کنده لباس خودش را پوشانیدند و او را بیرون کشیدند تا آنکه
- ۲۱ صلب نمایند * و شمعون قیروانی که پدر اسکندر و روفس است در
- اشناسی مراجعت از کشت زار از آنجا عبور نمودی که ایشان او را
- ۲۲ بجهت بر داشتن صلیب وی مجبور نمودند * پس او را بمکان

- ۲۳ کلکته که ترجمه اش محل کاسه سراسر است آورند * و با دوه ممنوع
- ۲۴ بمر بجهت آشامیدن بوی دادند لیکن او قبول نه نمود * و او را صلب کرده لباسش را بنا بر افکندن قرعه که بهر کس چه رسد تقسیم
- ۲۵ نمودند * و چون او را صلب نمودند ساعت سیم بود * و نوشته اوعای
- ۲۶ وی در آنجا نوشته شده بود که پادشاه پروز اینست * و در زورایکی
- ۲۸ بر بزمین و دیگری بر یسار وی صلیب نمودند * آنگاه کامل گردید
- ۲۹ نوشته که میکوید در زمره کناه کاران شمرده کشت * و راه گذران سر جنبان بوی فحش داده میگفتند ای ویران کننده هیکل
- ۳۰ و عمارت کننده آن در سه روز * خور و نجات ده و از صلیب فرو
- ۳۱ آ می * و همین وضع رؤسای کهنه نیز نرو خود بر سبیل استهزا با نویسنده کان می گفتند دیگر آنرا نجات داد و خور و نجات نمی تواند
- ۳۲ داد * بگذار که الحال مسیح پادشاه اسرائیل از صلیب فرو آید تا به بینیم و اعتقاد نمائیم و آنان که با وی مصلوب شده بودند فحشش
- ۳۳ میدادند * و چون ساعت ششم رسید تا ساعت نهم ظلمتی تمام
- ۳۴ آن ملک را فرو گرفت * و در ساعت نهم عیسی با آواز بلند فریاد بر آورده گفت الوی الوی لما سبقتانی یعنی الهی الهی از بهر چه
- ۳۵ مرا بگذاشتی * پس بعضی از آنان که نزدیک ایستاده بودند این سخن را شنیده گفتند اینک الیاس را می طلبد * و یکی از آن میان دو ان کشته اسفنجی را از سر که بر نموده بر تنی گذاشته
- بجهت آشامیدن وی باز داشت و گفت بگذارید که مشاهده
- ۳۷ نمایم آیا الیاس بجهت فرود آوردن وی می آید * و عیسی آواز
- ۳۸ بلند می بر آورده روح را تسلیم نمود * و بروه هیکل از بالا تا پائین

- ۳۹ بدو پاره گردید * و چون یوز باشی که مقابل وی نزدیک ایستاده بود
 اورا دید که چنان فریاد بر آورده روح را تسلیم نمود گفت بدرستی که
 ۴۰ این مرد فرزند خدا بود * وزنی چند نیز بودند که از دور نگاه میکردند
 که مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب کوچک و یوسا و سلومی در میان
 ۴۱ آنها بودند * که چون در جلیل بود پیروی و خدمت می نمودند و دیگر
 ۴۲ زنان بسیار که با وی باورشلیم آمده بودند * چون شام گردید از آنجا که
 ۴۳ روز تهیه بود یعنی آنوقت که پیش از سبت است * یوسف
 ارمتی که یکی از اهل شوری و متشخص بود که خود نیز منتظر ملکوت
 خدا بود کستافانه نزد پیلطس رفته بدن عیسی را خواهش نمود
 ۴۴ * و پیلطس از اینکه باین زودی فوت شده باشد تعجب نموده
 یوز باشی را طلبید و از وی پرسید که مکه ویریسست که وفات نموده
 ۴۵ است * چون از یوز باشی آن مقدمه را شنیده تن را بیوسف
 ۴۶ ارزانی داشت * و او پارچه نازکی را خریده و اورا فرود آورده در آن
 پارچه پیچید و در قبری که از سنگ تراشیده شده بود گذاشت
 ۴۷ و سنگی را بر سر قبر غلطانید * و مریم مجدلیه و مریم مادر یوسا ملاحظه
 می نمودند که در کجا گذاشته شد

باب شانزدهم

- ۱ چون روز سبت گذشت مریم مجدلیه و مریم یعقوب و سلومی
 ۲ بوی خوش خریده تا آنکه آمده اورا مدهون نمایند * و روز یکشنبه
 ۳ صبح بسیار زودی هنگام بر آمدن آفتاب نزد قبر آمدند * و با یکدیگر می
 گفتند که چه کس سنگ را از سر قبر بجهت ما خواهد گردانید
 ۴ * زانرو که بسیار بزرگ بود پس نگرسته سنگ را غلطیده دیدند

- ۵ * و برون قبر داخل کشته جوانی را بر طرف راست نشسته
- ۶ و لباس سفید پوشیده دیدند و خاف کردند * که بایشان گفت
مترسید عیسای ناصری را که مصلوب شده بود تفحص مینمائید
او بر خاست و در اینجا نیست اینک مکانی که در آنجا گذاشته
- ۷ بودندش * لیکن شما بروید و بشناگردان او و پطرس بگوئید که او
قبل از شما بجلیل میرو و چنانچه بشما گفته بود او را در آنجا خواهید
- ۸ دید * و آنها بزودی بیرون رفته از نرو قبر فرار نمودند از آنکه
اضطراب و تحیر بر آنها استیلا یافته بود و هیچ کس هیچ نگفتند زانرو
- ۹ که ترسیده بودند * و در صبح گاه اول هفته برخاسته نخست بمريم
۱۰ مجدلیه که هفت جانی از وی بیرون نموده بود ظاهر گشت * و او
۱۱ رفته مصاحبانش را که نوحه وزاری مینمودند خبر نمود * چون شنیدند
که زنده است و این ضعیفه او را دیده است قبول نمودند
- ۱۲ * و بعد از آن در صورت دیگر بدو نفر از آنها در حالتی که بسوی
۱۳ و مات میرفتند جلوه کر شد * و ایشان رفته ببقیه آنها خبر دادند
۱۴ و آنها را هم تصدیق نه نمودند * و بعد از آن بان یازده نفر در حالتی
که نشسته بودند ظاهر گردید و آنها را به سبب عدم اعتقاد و قساوت
قلب ملامت نمود زانرو که اشخاصی را که او را برخاسته دیده بودند
۱۵ قبول نمودند * پس بایشان فرمود که بهمگی جهان رفته جمیع
۱۶ خلائق را باین مژده ندا نمائید * که هر آنکوا ایمان می آرد و غسل تعمید
می نماید ناجی خواهد شد لیکن آنکه ایمان نمی آرد بر او حکم خواهد
۱۷ شد * و اشخاصی که باین چیزها اعتقاد آرند با آیتی چند مقرون
خواهد گشت که باسم من دیوارا بیرون خواهد نمود و بزبانهای

۱۸ تازه تکلم خواهند نمود * و ما را را خواهند گرفت و اگر چیز کشنده را
بپاشانند هرگز متنازعی نخواهد کشت و بر بیماران دست خواهند
۱۹ نهاده و ایشان تندرست خواهند گردید * و بعد از تکلم خداوند
با آسمان صعود نموده بر دست راست خدا بنشست و ایشان
بیرون رفته در هر مکان اعلام نموده و خداوند با ایشان عمل
مینمود و با آیات پیوسته آنکلام را ثابت میکردانید آمین

فهرست این کتاب مقدس

<p>503 . رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان .</p> <p>507 . رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>516 . رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>522 . رسالهٔ پولس بتیتوس</p> <p>526 . رسالهٔ پولس بفلیمون</p> <p>528 . رسالهٔ پولس بعبریان</p> <p>552 . رسالهٔ عام یعقوب حواری</p> <p>561 . رسالهٔ عام اول پطرس حواری</p> <p>570 . رسالهٔ عام دویم پطرس حواری</p> <p>576 . رسالهٔ عام اول یوحناي حواری</p> <p>585 . رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری</p> <p>586 . رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری</p> <p>587 . رسالهٔ عام یهوداي حواری</p> <p>590 . کتاب مکاشفات یوحناي الهی</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ 1</p> <p>انجیل مرقس 83</p> <p>انجیل لوقا 135</p> <p>انجیل یوحنا 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان 496</p>
---	---

هللا ةالص

، برلا اها

قفرع نم نكم تن ىتح جارفال مت دقو اذه ديدجل دهعلا والي جبال اذه ىلع ارکش
لكن ع ديزملا

تنا .حاتملا ينورتكلال باتكل اذه عنص نع ملو عسمل بعشلا قدعاسم ءاجرلا
مهتدعاسم ىلع نورداق متن او مه نم فرعت

بتكل رشكأ اهل عجو ، عرسب لمعلا ىلع قرداق نوكت نأ ىلع امتدعاسم ءاجرلا
ةحاتملا هي نورتكلال

نوكت يكف هجاتحت يذلا تقولو قوقو ، لاومال او دراومل عيمج ىلع امتدعاسم ءاجرلا
لمعلا ةلصاوم ىلع قرداق
لكن

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذلا قيرفلا نم اعزج لكشت يتلا قدعاسملا ءاجرلا
اهل ديرت يتلا لامعألل يحو رلا مهفلا مهنم لك اعطع او رارمتسال قوق اهئاطع اى جري
هل عفت نأ

ركذنتل او فوخل مدعل مهنم لك قدعاسم ءاجرلا
ءيش لك نع لوؤسملا او ةالصلا مبوبج يذلا هللا تنأ ن!

نوكراشي مهنأ قراز & لمعلا ، مهتياح مكن او ، مهعيجشت متلضفت نأ هللا وعدأ
هيف

يتلا تابقعل نم امريغ وا هي حورلا تاوقلا نم مهتياح متلضفت نأ هللا وعدأ
لفسا ىلا امنم عطب وا مريض نأ نكمي

هذه نم اول عج نيذلا سانلا اضي ركفنل ديدج دهع اذه مدختسا امدنع يتدعاسم ءاجرلا
رارمتسال اهل ىنس تي ىتحو اهيلع ىلصي نا عيطتسا ىتح ، ةحاتملا هعبطلا
سانلا نم ربكاددع قدعاسم يف

فوس كن او ، (ديدجل دهعلا) قدقملا قملك كل بح ينيطعت تنك نا هللا وعدأ
ةينمزلأ قرتفل او مهفل لضفا لئنا فرعت نا من طفل او قملكحل او هي حورلا ينيطعت
اهي شيعن يتلا

لك يننا هجاوت يتلا تابوعصلا عم لماعتلا ةيفيك قفرع يه يتدعاسم ءاجرلا
نيرخال دعاسن نا ديرنو لضفا لئنا فرعت نا ديرت يندعاسي هللا دروللا .موي
لماعلا لوحو قوطنملا يدلب يه نيحي سمل

مكتمكح مهدعاست نيذلا او بختنملا ينورتكلال باتكل يطعي نا مكل هللا وعدأ

مكعب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (يتلئاعو) امترسا دارفأ دعاسي نا مكل هللا وعدأ

قرطلا لكب مكلة عباتمو لوبق ديرتو

ءايشالا هذه لعفا نا مكئم بلطاو ، تاقوالا مده يف هي جوتلا او هعتملا اني طعي امك
نيم ، عوسي مساي يف

- Prayer -

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted.

Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible.

Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro.

Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día.

Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de Jesús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?

Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible, y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.

El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutalo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliera.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutalo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere

le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo.

Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza.

Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile e di altrettanta gente che prega spesso per noi e questo ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

- Prayer -

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de Jesus, amen,

(por que nós traduzem isto em muitas línguas?
 Porque nós necessitamos tanto prayer como possível, e tantos como povos que praying para nós e este ministry tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.
 O prayer é uma das mais melhores maneiras que você pode nos ajudar mais).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott,

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen.

Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortet und der verantwortlich für alles ist.

Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamten könnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jedem Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen. und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).

Dear Lord,

Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you. Please help accurate versions to have wide circulation. Please help us obtain copies of the accurate Greek New Testament.

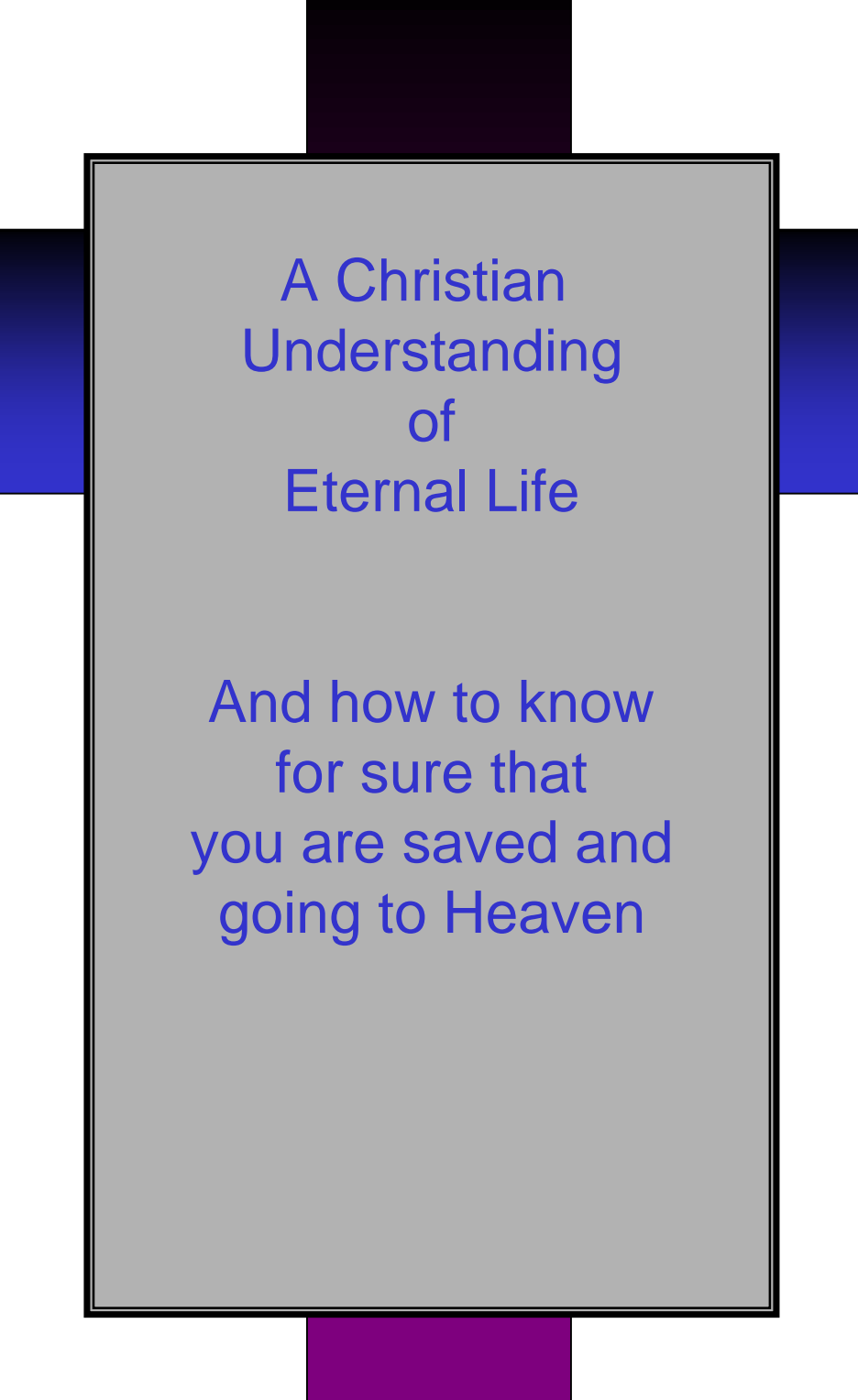
Please help the people responsible for making this Ebook available.

Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available. Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.

Please help their family members to not be deceived. Please help their families to truly turn to the real Jesus and to follow Him and understand His divine perspective. Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.

I pray that you would encourage those working on Ebooks, and that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.

I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of Jesus, Amen,



A Christian
Understanding
of
Eternal Life

And how to know
for sure that
you are saved and
going to Heaven

Saved - How To become a Christian how to be saved

**A Christian is someone
who believes the
following**

*Steps to Take in order to become a
true Christian, to be Saved & Have a
real relationship & genuine
experience with the real God*

**Read, understand, accept and
believe the following verses from
the Bible:**

**1. All men are sinners and fall short
of God's perfect standard**

Romans 3: 23 states that

For all have sinned, and come short of
the glory of God;

2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son Jesus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on Jesus Christ.

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through Jesus Christ our Lord.

3. You can be saved, and you are saved by Faith in Jesus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending Jesus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in Jesus Christ, that is what saves each of us.

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

4. God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent Jesus Christ to save us, even though we are sinners. So Jesus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in Jesus Christ, we obtain Eternal Life.

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

6. If you believe in Jesus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a

**fact that you have been given
Eternal Life.**

I John 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.

I John 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:

" Lord Jesus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you

to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true Jesus Christ I ask all these things now, Amen".

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, Jesus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is

that you do not need to change yourself. Just Cry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent Jesus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

**Steps to take once you have asked
Jesus to come into your life**

Find the following passages in the Bible and begin to read them:

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)**
- 2. Read Psalm 91**
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John**
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.**
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read**

them, so that you can understand more about God and how He works.

6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your

fears and concerns, and ask him for help and guidance.

7. email or tell someone about the great decision you have made today !!!

Does the "*being saved*" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of **1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.**

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

[...and if so , then how does believing save a person?](#)

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in **Salvation by Faith Alone in Jesus Christ** (ask us by email if this is not clear), then **That belief** saves them. Why ? because they are magical ? No, because of the sovereignty of God, *because of what God does to them, when they ask him into their heart & life.* When a person decides to place their faith in Jesus Christ and **ask Him** to forgive them of

their sins and invite Jesus Christ into their life & heart, **this** is what saves them – *because of* what God does for them at that moment in time.

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ – God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "*one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers*".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of Jesus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that Jesus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than Jesus Christ – which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in Jesus Christ because of two extremes:

First the extreme that they are *not* sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that **all sins separates us from God**, even supposedly-small sins. We – as humans – tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

Second the extreme that they are *not good enough* for Jesus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ Jesus because those people are -literally – **unwilling**

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for Jesus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "**For all have sinned, and come short of the glory of God**" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote " **For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.**"(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

John 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.
17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world through him might be saved.

Prayers that count

The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through Jesus Christ" or "*in the name of Jesus Christ*".

God hears our prayers because we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of Jesus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:

(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.

(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.

(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought *him* to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.

(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)

(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ.

(Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us through Christ Jesus.

(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.

(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached through Jesus the resurrection from the dead.

(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.

(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,

but alive unto God through Jesus Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, *let him do it* as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly through Jesus Christ our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postscript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon
the Textus Receptus are
the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK
TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in
the Mandarin Chinese Language (Older Traditional)
that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of
this edition is actually from 1880 which means
it was produced prior to the Revised Version
and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions
in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort,
ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform
to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is
the standard historic Koine Greek Text of the
New Testament. (the work of John w Burgon. Carston Thiede
or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online
Under "Textus Receptus". There are 2
or 3 usual versions of the T.R. :

1. The original 1550/51 Version of the
Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne
2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833
and
3. The Textus Receptus in Koine Greek by
Scrivener, the edition of 1860.

Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength;
they shall mount up with wings as eagles;
they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

I Thessalonians 4: 13_-5:6

13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.

14 For if we believe that Jesus died and rose again, even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.

15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.

16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:

17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.

18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord so cometh as a thief in the night. 3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.

4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.

5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness. 6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

Matthew 25:1-13

25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.

2 And five of them were wise, and five were foolish.

3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:

4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.

5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.

6 And at midnight there was a cry made,

Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.

7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.

8 And the foolish said unto the wise,

Give us of your oil; for our lamps are gone out.

9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.

10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.

11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.

12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.

13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.

**NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY
MARTYN 1837** is [exists] in Nine [9] Parts.
All are available online **Persian New Testament
Edition of HENRY MARTYN 1837**

-
Please Note:

**Permission for YOU to Print, use, Post online, store,
use, distribute personally or in file sharing systems,
online or otherwise, is hereby granted**

**Permission to Post and Repost on your website
is granted.**

**Note: Do not always depend on
large “storage” websites. Do not depend on websites
in the west. Sometimes large websites are affected
and then no longer work. For your convenience
and easy access, Please keep copies of this
somewhere safe or on other servers**

Some bulletin boards sometimes have storage
space available.

Téléchargement = Free = No Cost
Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and
for our protection in all ways and at all times.
Thanks.

**NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI)
of HENRY MARTYN 1837**

is [exists] in Nine [9]

Parts:

Part 1

Part 2

Part 3

Part 4

Part 5

Part 6

Part 7

Part 8

Part 9

All are available online
Persian New Testament
Edition of **HENRY MARTYN**
1837

Téléchargement
Free = No Cost
Télécharger - Gratuit

A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,
IF HE WANTS. **GOD IS BIG ENOUGH.** ANY REAL GOD
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE
EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison
Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson
The Two Babylons by Hislop
Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce

The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander
The [Idolatry of] the Worship of Mary by J. Endell Tyler
Books by George STANLEY Faber
Revelation by Clarence Larkin

Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824)
Works written by Imad-ud-din, of Umritsur

TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity
written by Maulvi Ahmad Ullah

WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866

ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867

Original Sources of the Coran / Koran by Muir

Books in French (Auteurs Français) = Alain Choquier , Ralph Shallis,
Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare,

Accurate Edition: (Texte Reçu) of the New Testament in Greek (Grec) =
Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151)
[Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New
Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH
the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب
العهد الجديد لربنا ومخلصنا يسوع
المسيح

قد تُرجم حديثاً من اللغة اليونانية

اسماء اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

٦	.	.	.	١ تيموثاوس	٢٨	.	.	اصحاحات	انجيل متى
٤	.	.	.	٢ تيموثاوس	١٦	.	.	"	انجيل مرقس
٢	.	.	.	٢٤ تيطس	٢٤	.	.	"	انجيل لوقا
١	.	.	.	٢١ فليمون	٢١	.	.	"	انجيل يوحنا
١٢	.	.	.	٢٨ العبرانيين	٢٨	.	.	"	اعمال الرسل
٥	.	.	.	١٦ يعقوب	١٦	.	.	"	رومية
٥	.	.	.	١ بطرس	١٦	.	.	"	١ كورنثوس
٢	.	.	.	٢ بطرس	١٣	.	.	"	٢ كورنثوس
٥	.	.	.	١ يوحنا	٦	.	.	"	غلاطية
١	.	.	.	٢ يوحنا	٦	.	.	"	افسس
١	.	.	.	٢ يوحنا	٤	.	.	"	فيلبي
١	.	.	.	يهوذا	٤	.	.	"	كولوسي
٢٢	.	.	.	٥ رؤيا يوحنا	٥	.	.	"	١ تسالونيكي
	.	.	.	٢ وجميعها سبعة وعشرون سفرًا	٢	.	.	"	٢ تسالونيكي